





حقق المن بمک بعدی یعنی نمیدانی که چه چیزها پیدا کردند

از خود بعد از تو پس بگویم من دوری باد از همه خیری و خوبی

آنکس را که تغییر و تبدیل کرد شریعت من بعد از من سطر که بواسطه

قلت یقین حقیقت حال بر ایشان مشتبه بود و یافتند که ظاهرا لسان

در زی خلافت اند و اظهار دین داری و متابعت پیغمبر صلی الله

علیه و آله می نمایند و مردمان امثال ایشان بمبایعت میکردند و نظر

تامل نیر و لیخستند که بر حقیقت حال ایشان بصیر و از ...

هریک خبیر گردند پس ایشان نیز ربقهٔ تقلید در گردن حال خود

کرده در مبایعت با طایفهٔ اول متابعت نمودند و جمعی دیگر بواسطهٔ

قصور ادراک و قلت وقوف بر حقایق امور چون جمعی کثیر و جمی غفیر

در ربقهٔ طاعت و دایرهٔ مطاوعت ایشان یافتند و پندار نمودند

که کثرت علامة نجات و واسطهٔ خلاص درکات خواهد بود و حال

آنکه ظاهر و باهر است که علی الدوام در هر زمان و مکان بالاف و اضعاف
بعدد اشرار و فجار زیاده بر اخیار و ابرار اند بلکه در همه وقتی
کفار و جاحدان دین و معاندان یقین در روی زمین مراتب
بسیار زیاده از مظهر کلمتین و مسلمین بوده اند و هستند
و کسی که بر حکایات انبیاء سابق علی نبینا و علیهم السلام واقف
و متفحص این احوال بوده در این معنی شبهه ندارد و از جمله نوح پیغمبر
علی نبینا و علیه السلام که از پیغمبران اولی العزم بود مشهور است
که هزار سال الا پنجاه سال بدعوت خلایق اشتغال می نمود
چنانکه در قرآن مجید اشاره بآن واقع است که فلبث فی قومه
الف سنة الا خمسین عاما بعد از ایذاء بسیار و آزار
بیشمار که از ایشان بوی رسید چهل شخص اجابت دعوة نمودند
و همچنین حکایت ابراهیم و موسی و عیسی و غیر ایشان علی نبینا و علیهم

السلام

السلام که بعد از انواع مشقت و زحمت و تحمل ایذا در دعوة معلوم است
که در زمان ایشان و بعد از ایشان مؤمن موقن معدودی چند بوده
و الباقی یا مطلقا قبول دعوت نکردند یا منافق و متزلزل الاعتقاد
بوده اند همچون محرفان بنی اسرائیل و غیرهم که آیه کریمه فبدل
الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم اشارت بآن است
و کثیری از کلمات قرآنی و آیات فرقانی مشعر باین معنی است و
از نصوص داله بر آنکه ارباب ایمان و یقین دائما قلیل اند نسبت که
ملک جلیل تعالی شانه و عز سلطانه میفرماید لا یستوی الخبیث
والطیب ولو اعجبک کثرة الخبیث و قلیل ما هم
و قلیل من عبادی الشکور و ما آمن معه الا قلیل
و ما اکثر الناس ولو حرصت بمؤمنین
و ما یؤمن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون

هرگاه توکل کنی بر خدای تعالی پس شروع کن در کار خود بدرستیکه خدای تعالی یاری میکند ترا

اذا توکلت علی الله فافعل فانه یعینک

وَلٰکِنَّ اَکْثَرَ النَّاسِ لَا یُؤْمِنُونَ ۝ وَاِنْ
تُطِعْ اَکْثَرَ مَنْ فِی الْاَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ
اللّٰهِ ... وَمَا یَتَّبِعُ اَکْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا وَلٰکِنَّ
اَکْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ

وغیر اینها از آیات و نصوص بینات دیگر که اهل البیت مصطفی
و برگزیدهٔ خدای تبارک و تعالی و مستحق خلافت و جانشینی سرور
انبیا بودند عقلاً و نقلاً شرعاً و نصاً و بانواع فضایل نفسانی و کمالات
انسانی که نهایت آن در تصور بشر نتواند گنجید آراسته ایشان را
از حق خود محروم و ممنوع ساختند و آنچه دانستند و توانستند
در مقابل وصیتهای پیغمبر در حق ایشان پرداختند و اکثر مردم را با
خود درین امر متفق گردانیدند الا طایفهٔ قلیل که از حطام سریع الزوال
و زخارف قریب الانتقال دنیای دنی ناپایدار معرض گشته نظر

بر نعیم مقیم وَالْاٰخِرَةُ خَیْرٌ وَاَبْقٰی داشتند همچون
سلمان و مقداد و ابوذر و عمار رضوان الله علیهم اجمعین که بر جادهٔ
طاعت و متابعت خود ثابت بوده التفات بهیچ ناملایمی ننمودند
و اعتبار ملامت هیچ لایمی نفرمودند بنابرین واجب و متحتم و
لازم است بر جمیع انام از خواص و عوام که تأمل نمایند و نظر در امور
حق گمار فرمایند و از روی انصاف و اعراض از طریق تقلید آبا
و اعتساف حق را در مرکز خود قرار دهند و راضی بظلم ظالمان
اهل بیت مصطفی نباشند و تخم محبت معاندان ایشان در زمین خاطر
نپاشند و طریق مستقیم تابعیت قویم مصطفی و آل علیهم افضل صلوات
الله الملک المتعال منهج و مسلک حال و مآل خود سازند تا در گروه مکروه
بیشکوه بی دین لعین که اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی الظَّالِمِینَ
در شان امثال ایشانست داخل نگردند و الله سبحانه در کلام مجید

لا تُحاذر من فوت نصيبك عند الله لا يخيبك فيما نويت لا تحزن

میفرماید فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه

بشارت ده ای محمد بفوز نعیم و ثواب مقیم بندگان مرا که شنوند سخن پس پیروی نمایند بهترین آن سخنان را و بر عارف منصف کما ینه متصف مخفی نیست که مذهب حق امامیه اصولا و فروعا احسن و امتن جمیع مذاهب است از روی حقانیت دعوی صدق مدعی و تنزیه باری تعالی و رسل مجتبی و اوصیای مزکی زیرا که ایشان باب خود رائی و قیاس و استحسان چنانکه اصل مذهب دیگرانست بر خود مسدود ساخته اند و در جمیع احکام مستند می شوند بروایت رواة عدول ثقاة خلفا عن سلف تا منتهی شود بیکی از ائمه هدی علیهم صلوات الله الملک الاعلی و ایشان نقل میفرمایند از جد خود رسول الله صلی الله علیه و آله و آنحضرت متلقی می شود بطریق وحی بواسطه جبرئیل از حضرت رب جلیل و این غایت احتیاط و محکم کاری و نهایة رعایت

مترس فوت نمیشود آنچه خدا تعالی نصیب تو کرده اینده است نا امید نمیکند تورا در چیزی که قصد کردهٔ غمگین مشو

دین داری است اصل اول در معتقد متین ایشان و آن مشتمل است بر پنج فصل فصل اول در توحید معتقد ایشان آنست که معرفة الله تعالی واجبست زیرا که آنحضرت منعم است بر بنده و شکر منعم واجبست عقلا و این موقوف بر معرفة اوست و از جمله طریق معرفت نظر است در عالم که ما سوی الله است و بواسطه حرکات و سکنات و تغیرات او حدوث او معلوم میشود زیرا که هر چه خالی از حادث نیست حادث است و حادث چیزیست که پیدا شود بعد از آنکه نبوده باشد پس مر او را پیدا کننده باید و پیدا کنندهٔ او باید که قدیم باشد و واجب الوجود تا دور که توقف شی است بر نفس و تسلسل که ترتب امور غیر متناهیه است لازم نیاید زیرا که این هر دو محال است و معنی قدیم آنست که هیچ چیز بر او مقدم نباشد و معنی واجب الوجود آنست که ذات او از او باشد نه از غیری و واجب الوجود قادر مختار است یعنی توانائیست

اَجِبْ بِمَا یُوجِبُ لَا تَعْجَلْ تَجِدْ خَیْرًا اِنْشَاءَ اللّٰهُ تَعَالیٰ

کرا اگر خواهد کند و اگر خواهد نکند زیرا که اگر چنین نباشد موجب خواهد بود و موجب آنست که اثر او از وجدا نشود و ازان لازم می آید که عالم قدیم باشد و عالم است یعنی داناست زیرا که افعال او در غایت احکام و نهایت اتقانست و از تأمل در احوال مصنوعات این معنی ظاهر میشود و حی یعنی زنده است زیرا که دانا و تواناست و دانایی و توانایی از غیر حی نمی تواند بود و قدرت و علم او عام است جمیع مقدورات و معلومات را زیرا که علم مخصص او آزین لازم می آید که سمیع یعنی شنوا و بصیر یعنی بینا باشد زیرا که سمع علم است بمسموعات و بصر علم است بمبصرات و مرید و کاره باشد زیرا که اراده علم است بصلاح و کراهت علم است بفساد و متکلم باشد زیرا که مراد با آن پیدا کردن کلام است در جسمی از اجسام و این نتواند بود الا بقدرت و نیز الله سبحانه و تعالی میفرماید وَكَلَّمَ اللّٰهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا و صادق است یعنی راست گفتار

صبر نیکو میکند عاقبت کار را شتاب مکن تاخیر بیاید ان شاء الله تعالی

و راست کردار زیرا که آنحضرت عدل است چنانکه خواهد آمد و کذب چون قبیح است صدور آن از عدل محالست و واحد است یعنی یکتای بی همتاست زیرا که از تعدد فساد نظام عالم لازم می آید زیرا که ممکن است که مراد هر یک خلاف مراد دیگری باشد چنانکه در قرآن مجید میفرماید لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا یعنی اگر در بسیط زمین و بساط آسمان خدایانی غیر خدای بی همتای بلا شریک یکتا باشند هر آینه زمین و آسمان بفساد آید و این صفات عین ذات مقدس اوست و الا لازم آید تعدد قدیمان بسیار یا حلول حوادث در وی و این هر دو محالست و آنحضرت [illegible] یعنی چیزی که او را طول و عرض و عمق باشد و عرض نیست یعنی ممکنی که به ممکنی دیگر قایم باشد و جوهر نیست یعنی ممکنی که بذات خود قایم باشد و متحیز نیست یعنی چیزی که در حیز باشد و مراد بحیز فراغی است که جسم آنرا مشغول سازد و حیز و مکان

اذا نویت خیرا فاجزم عزمك فان الله كريم يعينك في هذا الامر

یکیست و آنچیزی نیست که در تحیزی فرو د آید و مرکب نیست از چیزی و جزو

چیزی نیست یعنی یکی شونده بغیر نیست زیراکه اینها همه محتاج بغیر اند

و او چون واجبست محتاج بغیر نیست و آنحضرت بدیده پسر دیده نمی شود

زیراکه آنچه بیند در جهت مقابل خواهد بود و جهت خبر است و او واجب

منزه است ازان و نیز میفرماید که لا تدركه الابصار

یعنی در نمی یابد او را چشمها و حضرتش غنی است یعنی بی نیاز است

در ذات و صفات و افعال از جمیع اغیار زیراکه وجوب وجود

منافی احتیاج است فصل دوم در عدل معتقد ایشان انست

که الله سبحانه و تعالی عدل و حکیم است و ظلم نمیفرماید بر هیچ یک از

مطیعان و عاصیان و فعل او مبنی بر فایده و غرض و حکمت است

و عبث در فعل او روا نیست و منزه است از فعل قبیح و اخلال

بواجب یعنی ترک آنچه لایق برافت و رحمت او نسبت با بندگان باشد

هرگاه قصد خیر کرده پس عزم جزم کن بدرستیکه خدایتعالی کریمست مدد میکند ترا درین کار ان شاء الله تعالی

زیراکه بی نیاز است و دانا بحقایق اشیا پس لایق حکمت او است

لطف نسبت با بندگان یعنی آنچیزی که ایشانرا نزدیک کرداند

بطاعت و دور کرداند از معصیت و همچنین اعطاء ثواب نسبت

با مطیعان و ایصال اعواض نسبت با متالمان و اعداد عقاب

و عذاب دایمی نسبت با کافران و عفو از عاصیان یا عذاب

بقدر جرم ایشان از برای امتناع خلاف وعد و وعید در حکمت

رب حمید مجید فصل سیوم در نبوت معتقد ایشان انست که

الله سبحانه و تعالی جمیع پیغمبرانرا جهت ارشاد و هدایت خلق

فرستاده و پیغمبر ما محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم

بن عبد مناف صلی الله علیه و آله مهتر و بهتر ایشانست و دین او

ناسخ جمیع ادیان و واجب است تصدیق سایر آنچه ازان خبر

داده از احکام ملت و وظایف شریعت زیراکه دعوی نبوت

الرضى في الامور سعادة الدين وراحة البدن فيما انت فيه

فرموده و بر طبق آن معجزات باهره و براهین قاطعه از آنحضرت
بظهور رسیده و آن معجزات بهزار نزدیک است از جمله قرآن مجید
و فرقان حمید است که فصحای بوهی زمین و بلغای اولین و آخرین
از ایتان بمثل آیه از آن عاجز و قاصر اند و جمیع انبیا معصوم اند
از صغایر و کبایر و پاک اند از سایر عیوب منفره تا ایشان را قبول
خاطر حاصل شود و وثوق بکلام ایشان متأکد گردد و اقبال
قلوب بر اوامر و نواهی ایشان بی تردد بظهور رسد و ظاهر آیات
و احادیثی که موهم خلاف اینست همچون دیگر آیات و احادیث
که واجب التاویل اند مثل يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ وَكُلُّ
شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ در محل خود تاویل لایق کرده اند

فصل چهارم در

معتقد ایشان آنست که لایق لطف
نامتناهی الهی آنست که نصب اولیا معصومین فرماید بعد از قبض

راضی بودن بقضا در کارهای که روی بهر تو را باعث نیک بختی است
در دین و راحت است در بدن

نبی بجوار رحمت خود تا احکام نبوی معطل نماند و اسرار شریعت
مصطفوی را بخلق تعلیم فرمایند و چون معصوم باشند مردم از سهو
و غلط ایشان آمن بوده بمکی را بمواجب انقیاد اقدام واجب گردد
و عالم از لطف و رحمت خداوندی خالی نباشد و سزاوار آنست
که نص بر امامت هر امام از الله سبحانه و تعالی باشد یا رسول او
یا امامی پیش از او زیرا که عصمت امری پوشیده است و خلق را
بر آن اطلاع دشوار است و جامع این نص و عصمت نیست الا امیر
المومنین و امام المتقین ابو الحسن علی بن ابی طالب و فرزند او
ابو محمد حسن و فرزند دیگر او ابا عبد الله الحسین و فرزند او
ابو الحسین علی زین العابدین و فرزند او ابو جعفر محمد الباقر
و فرزند او ابو عبد الله جعفر الصادق و فرزند او ابو الحسن
موسی الکاظم و فرزند او ابو الحسن علی الرضا و فرزند او ابو جعفر محمد

الجواد و فرزند او ابوالحسن علی الهادی و فرزند او ابومحمد الحسن
العسکری و فرزند او الخلف القایم المهدی محمد الحسن العسکری
صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین و از جمله نصوص درین
باب قول الله سبحانه و تعالی است که یا ایها الذین آمنوا اتقوا
الله وکونوا مع الصادقین یعنی ای آنچنانی که ایمان آورده اید
بپرهیزید خدای را و باشید با راستان و راست از همه وجهی نیست
الا معصوم و قول الله سبحانه و تعالی انما ولیکم الله و رسوله
والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون
الزکوة و هم راکعون بدرستی و راستی که نیست
کسی صاحب امر و خداوند کار شما الا خدا و پیغمبر او و آنچنانی که بسعادت
کمال ایمان فایز شده اند و نماز که اعظم ارکان دین است بپا میدارند
و در حال رکوع صدقه میدهند و این آیه کریمه در شان امیر المؤمنین

علی علیه السلام نازل شده باتفاق مخالف و موالف که انگشتری
مبارک خود بسایل در اثنای رکوع تصدق فرموده و قول رسول الله
صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین را علیه السلام انت خلیفتی
فی امتی تو خلیفه و بجای منی بعد از من در امت من
انت منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لا نبی بعدی
تو نسبت با من بجای هرونی نسبت با موسی مگر آنکه بدرستی که هیچ پیغمبری
بعد از من نخواهد بود من کنت مولاه فعلی مولاه
هر که من مولا و خداوند کار اویم پس علی مولا و خداوند کار اوست
و همچنین قول آنحضرت در حالتی که اشارت بحسین علیه السلام میفرمود
هذا ولدی الحسین امام ابن امام اخو امام ابو ائمة
تسعة تاسعهم قائمهم یعنی این پسر من حسین امام پسر
امام برادر امام پدر نه امام است نهم ایشان قایم ایشانست و از

من التجا الی الله کفاه مهماته لاتخف فیما نویت
انشاء الله تعالی

و از حضرت امام همام بحر الحقایق جعفر الصادق مرویست که مهدی
علیه السلام جهت آن قایم نام نهاده اند که بحق بر خواهد خواست و
این اندکیست از بسیار و رشحه ایست از بحار زخار آثار و اخبار
که در شان عالی ایشان وارد است و اما حکمت غیبت صاحب
الزمان علیه صلوات الله الرحمن مصلحتی است که حکیم علیم بتحقیق آن داناست
و سبب ظاهر قلت انصار و کثرت اعداست و همچنانکه در صحاح اخبار
وارد است ظهور خواهد فرمود انشاء الله تعالی و عالم بنور طلعت
مبارک منور خواهد نمود و زمین را از جور و بیداد ظالمان خواهد
پرداخت و از کمال عدل و داد خود پر خواهد ساخت اللهم
اجعلنا من المتمسکین المتوسلین لدیه
والمستشهدین بین یدیه ولا تحرمنا
شفاعته وشفاعة آبائه الطاهرین آمین

کسیکه پناه بخدای تعالی برد پس او را مترس در کاریکه اراده کرده
فایده میکند ان شاء الله تعالی

اللهم آمین بحرمة محمد وآله الطاهرین الطیبین
صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین اما ...
معتقد ایشان آنست که الله سبحانه و تعالی عدل و حکیم است و یکی را
حشر خواهد فرمود تا هر یک بجزای اعمال و پاداش افعال خود بهشت
جنة نعیم یا عذاب الیم جحیم واصل کردند و جمیع آنچه پیغمبر صلی الله
علیه و آله که مخبر صادقست از آن خبر داده از حشر و نشر و حساب
و صراط و میزان و بهشت و درجات آن و دوزخ و درکات آن
و شفاعت پیغمبر و ائمه سیر و رجعت عاصیان و غیر آنها از احوال
قیامت همه حق و راست و درست است و در آن هیچ شایبه نیست
زیرا که اینها همه ممکن است و مخبر صادق از آن خبر داده و این
معتقد ایشانست علی سبیل الاجمال و اکثر علما بلکه اجماع
فقها بر آنست که معرفت این اصول هر مکلف را بدلیل واجبست و بمجرد

تقلید کافی نیست و بعضی بر آن رفته اند که اگر این اصول بدلیل نداند
مؤمن نیست و اصح نزد محققان آنست که مؤمنست لیکن بتقصیر در
طلب دلیل مقصر و آثم میگردد و این نوع اهتمام دالست بر غایت
احتیاط ایشان در امر دین حضرت رب العالمین و نهایت اهتمام
در امور شریعت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله الطاهرین
مخالفان ایشان آنست که جایز است صدور فعل قبیح
و اخلال آنچه لایق حکمت و رحمت اوست و فعل آنحضرت از برای غرض
و حکمتی نیست بلکه عبث است و همه ظلمی و قبیحی و شری که هست
از وست و نفی لطف از آنحضرت می نمایند یعنی آنچه بنده کار نزدیک
سازد بطاعت و دور سازد از معصیت زیرا که جمیع انواع
معاصی و کفر و فسق و فساد منسوب بآنحضرت میسازند و میگویند
همه بتقدیر خداست تعالی الله عن ذلک علواً کبیرا

و عجبتر ازین سخن آنکه میگویند خیر برضای او و شر بقضای او و بعد
از آنکه همه بآنحضرت منسوب میسازند و میگویند همه بتقدیر اوست
و اعتقاد ایشان آنست که نه مطیع مستحق ثواب می شود و نه عاصی
مستحق عقاب بلکه می تواند بود که آنکس که جمیع عمر خود را
صرف انواع طاعت و عبادت و رضای معبود حقیقی کرده باشد
همچون پیغمبر علیه الصلوة و السلام معذب شود و آنکس که جمیع عمر
خود را در کفر و معاصی بغایت مستغرق ساخته همچون شیطان
و فرعون و هامان مثاب گردد و انبیا معصوم نیستند و جایز است
از ایشان خطا و عصیان و فسق و کذب و سهو و نسیان و همچنین
جایز است کفر و فسق پدران و مادران ایشان و پیغمبر ما ص
نفرموده بر امامت کسی و رحلت کرده بی وصیت و امام و خلیفه
بعد از آن حضرت ابوبکر ابی قحافه تیمی است بمبایعت عمر و مبا

طالب الكثرة لا يشبع ومن قنع بالقليل شبع لا تحرك
من مكانك

چهار شخص متابعت او ابی عبیده و سالم مولای حذیفه و بشیر
ابن سعد و اسید بن حضیر و بعد ازو عمر خطاب بنصب ابی
بکر و بعد ازو عثمان بن عفان بنص عمر بر شش نفر که یکی از ایشان
عثمان بوده بس اختیار کرده بعضی از ایشان او را بعد ازو
علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام برای موافقت مردم
با او و بعد ازو قول ایشان مختلف است بعضی میگویند که امام بعد ازو
فرزند او امام حسن است علیه السلام و بعضی میگویند که معاویة
بن ابی سفیان بعد از آن منجر می سازند امامت را به بنی امیه
و بعد از انقضای دولت ایشان به بنی عباس بمرتبه که درین
قرب منزل شخصی از ایشان در قلعه مصر نگاه میداشتند که امیر
المؤمنین و امام العالمین است و هر کس که سلطنت و نیابت
حکومت عالم باستحقاق میخواهد واجبست که ازو اذن اجازت

طلب کردن چیز بسیار کسی سیر نمیشود و هرگاه قناعت کند بچیز قلیل سیر شود
حرکت مکن از مکان خود

بستانند و حکایت فسق و فجور و ظلم و تعدی و انواع تقصیر و قصور
بنی امیه و بنی عباس خاصه نسبت با اهل البیت و قتل و حبس و نهب و کسر
حرمت ایشان که بعضی از آن در کتاب مقاتل الطالبین مذکور است
و مخالفت آن طایفه اوامر و نواهی حضرت پادشاهی الهی و غصب حقوق
اهل بیت و عدم التفات بوصایای حضرت نبوی که در شان عالی
ایشان وارد بود از غایت اشتهار و وضوح احتیاج بشرح
ندارد و پوشیده نیست که تدوین مذاهب و ابتدای تالیف
اصول و فروع کتب مخالفان اهل بیت در زمان دولت این کسان
و تقویت و تربیت ایشان بوده تا انوار هدایت اهل بیت
نبی مختار و آثار درایت شریف مذهب ایشان اظهار منطوی و پس منطمس گردد
و چون جمیع امور آنحضرات علیهم افضل الصلوات بتسدید و تایید الهی
بود اطفای آن نور بهیچ گونه نتوانستند نمود یریدون لیطفؤا

من توکل علی الله کفاه لا تخف

...بافواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون

پس عاقل منصف بصفت بصیرت متصف در مذهب و طریق چنین کسان گرده
واید و پیشوایان ایشان نیک تامل نماید و ترک تقلید محرم مذموم
امعان نظر در آیات قرآنی و بینات فرقانی و دلایل عقلی و مسایل
نقلی درین باب نماید تا راهبر توفیق انشاالله تعالی او را بسر چشمه
رحیق تحقیق رساند و در ذم تقلید الله سبحانه و تعالی در قرآن
مجید میفرماید: واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله
والی الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا علیه آباءنا
اولو کان آباؤهم لا یعلمون شیئا ولا یهتدون
یعنی چون گفته شد ایشانرا که بیایید و اقبال نماید بآنچیزی که
فرستاد خدای به پیغمبر گفتند بس است مارا آنچه یافتیم برآن
پدران خود آیا تامل نمیکنند و نمی یابند که اگر پدران ایشان ندا[نسته]

کسیکه توکل کند بخدای تعالی بس است او را مترس

باشند چیزی از حق و راه راست نیافته باشند چگونه تابع ایشان
میشوند و همچنین میفرماید ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن
والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین
یعنی روز قیامت آنکسانی که بتقلید دیگران بضلالت افتاده باشند
و بعذاب جحیم گرفتار گشته گویند پروردگارا بنما بما آنکسانی که گمراه
ساختند ما را از نوع جن و انس تا ایشانرا بانتقام در زیر پاهای خود
اندازیم تا در نشیب پاهای ما از پستان و ذلیلان گردند همچنانکه مارا
در آخرت پست و ذلیل ساختند و همچنین میفرماید یا ویلتی لیتنی
لم اتخذ فلانا خلیلا لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی
یعنی روز قیامت که حسرت و ندامت هیچ فایده نداشته باشد هر یک
از مقلدان ائمه گویند ای وای بمن کاشکی فلانرا دوست خود
نگرفتمی که گمراه کرد مرا از ذکر و موعظه الهی بعد از آن که آمده رسید

ظلال

ان الله یحب المتوکلین اذا حفظک الله لا یغلب علی
ضیعک احدا

بن و قرآن مجید مملوست از ذم تقلید پس واجب است اجتهاد و نظر
و اجازه بصر در تمیز فضول از فاضل و تبیین حق از باطل تا در یوم الفزع
الاکبر که صورت معنی اذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا
ورأوا العذاب وتقطعت بهم الاسباب بمنصه ظهور رسید پشیمان
و خایب و خاسر و گرفتار نگردد ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة
انک انت الوهاب اصل دوم در طریق عبادات بدانکه
که سرمایه اصول سعادتست و آن نیز مشتمل است بر پنج فصل [illegible]
[illegible] و نماز افضل عبادات بدنیست صادق علیه السلام میفرماید
اول ما یحاسب به العبد الصلوة فاذا قبلت
قبل سائر عمله واذا ردت رد علیه سائر عمله
یعنی اول چیزی که حساب میکند بآن بنده را نماز است پس اگر نماز

بدرستیکه خدای تعالی دوست میدارد متوکلین را و نگاه میدارد ترا در پناه خود
و ضرر نمیرسد بتو البته

او درست و مقبول باشد تمامی عمل او مقبول باشد و اگر نماز او درست نباشد
و مردود و نامقبول شد تمامی عمل او مردود و نامقبول باشد و هم آنحضرت
میفرماید ان شفاعتنا لا تنال مستخفا بالصلوة
یعنی شفاعت ما که سرمایه نجات و موجب رفع درجاتست نمیرسد
بآنکسی که نماز را سبک شمرد نماز پنجگانه واجبست بعض واجبات و معرفت
واجبات افعال نماز و مندوبات آن بلکه جمیع عبادات نیز او از اسپست
مجتهد را که فقیه امامی جامع شرایط فتوی است بدلیل و دیگران را باخذ
از مجتهد اگر چه بچند واسطه باشد بشرط عدالت جمیع و طفل را در هفت
سالگی امر بنماز باید کرد و در ده سالگی بترک آن ادب باید نمود
یعنی آنچه پیش از نماز واجبست ده است اول اسلام [illegible]
طهارت از حدث اصغر و آن وضو است و از حدث اکبر و آن غسل است
[illegible] ازاله نجاسات [illegible] وقت تجسم توجه قبله [illegible] ستر عورت

لا تعجل فان العجل تخجل صاحبه في الدارين

معرفت آنچه در نماز توان پوشید معرفت مکان نماز
معرفت آنچه سجده بران جایز است دهم معرفت اعداد نماز و رکعات
آن وضو واجبست دران هشت چیز اول نیت اتوضأ
لاستباحة الصلوة لوجوبه قربة الى الله وضو میسازم مباح
گردانیدن نماز را برای آنکه واجبست قربة الی الله دوم شستن رویست که موی
دار دشستن اول جزوی از روی جایز است که مقدم دارد وابتدا
سر دست شستن یا آب در دهان یا بینی کردن که از سنن وضوست
جهة تحصیل ثواب سنت و نیت قصد فعل است اول از حیثیت وجوب
یا ندب قربة الی الله یعنی خالصا از برای طاعت و فرمان برداری
خدای تعالی و تعبیر از خلوص بقربة که معنی آن نزدیکی است بسبب آن
واقع شده که خلوص سبب نزدیکی معنوی بدرگاه جلال پروردگاری
میشود و در جمیع نیات واجبست استدامة حکم آن یعنی نیتی که منافی

شتاب مکن در کار بلکه بدرستیکه شتاب کننده شرمنده میکند صاحب خود را در دنیا و آخرت

نیت اول است تا کردن سوم شستن روی از آخر رستنگاه موی
سر تا آخر ذقن در طول و آنچه فرا گیرد انگشت بزرگ و انگشت میانه در
عرض از متوسطة الخلقة در رو و انگشت و واجب است ابتدا از
بالا کردن چهارم شستن دست راست از بالای مرفق تا سر انگشتان
و دست چپ همچنین پنجم مسح پیش سر به بقیه تری که در دست است
اگر چه یک انگشت باشد ششم مسح پای است از سر انگشتان
تا کعبین و آن استخوانیست بر آمده بر پشت پای و اگر تا مفصل ساق
و قدم مسح نماید اولیست و پای چپ همچنین هفتم ترتیب بر نهجی که
مذکور شد هشتم موالات و آن غسل و مسح عضو لاحقست پیش از خشک
شدن سابق مگر در حال ضرورت که آب اندک باشد و گرما سخت بسیار
میشود و این سه کام موالات نهم مباشرة بنفس خود باین معنی که خود
اعضای وضو بشوید و مسح کند کسی که قادر باشد و اگر شک کند در غسل

لا تتحرك لاجل الرزق ولا تحرك بقول ولا فعل

ومسح بعضی از اعضا اعاده کند آنچه دران شک کرده وآنچه بعد ازان
است [illegible] پیش ازانکه دست در ظرف وضو کند از حدث
بول وخواب یکنوبت پس دست شستن واز حدث غایط دو نوبت
وبعد ازان سه نوبت آب در هریک از دهان وبینی کردن وچون
نظر بآب وضو کند بسم الله گفتن و در هر عضوی دعایی که مرویست
خواندن وهر عضوی دو نوبت شستن [illegible] بولست وغایط
وریح از موضع معتاد وخواب غالب بر حس سمع وبصر بمرتبه که نه بیند
کسی را که مقابل او باشد ونشنود سخن آنکسی که نزدیک او باشد وآنچه
عقل زایل کرداند وحیض واستحاضه ونفاس ومس میت آدمی
غیر معصوم وشهید بعد از سرد شدن بسبب موت وقبل از غسل صحیح
[illegible] واجب دران پنج چیز است [illegible] نیت الغسل
لاستباحة الصلوة [illegible] غسل میکنم

حرکت مکن از برای بهم رسیدن رزق وحرکت مکن بقول وفعل

جهت مباح گردانیدن نماز برای آنکه واجبست قربة الی الله و باید
که پیوسته باشد باول جزوی از سر که غسل آن میکند اگر ترتیب رعایت
میکند واگر مرتمس میشود یعنی در آب فرو میرود نیت را برسیدن
جزوی از بدن پیوسته دارد وباقی اعضا را بی درنگی تابع آن گرداند
در فرو بردن واگر مقدم دارد نزد شستن دست یا آب در دهان
یا بینی کردن که از سنن غسل است جهت تحصیل ثواب سنت جایز است
[دوم] شستن سر تا بن گردن [illegible] شستن جانب راست [چهارم]
شستن جانب چپ و عورتین وناف با هر جانب که بشوید رواست
[پنجم] ترتیب بر وجه مذکور واگر مرتمس میشود ترتیب ساقط میشود
[illegible] استبرا غاسل است پیش از غسل اگر او را انزال حاصل نشده
واگر انزال شده استبرا واجبست بآنکه از مقعد تا بیخ ذکر سه نوبت دست
بفشرد واز بیخ ذکر تا حشفه سه نوبت وهمچنین مستحب است که مرد و

استفتح بالله واستعمل الصبر والقناعة تلقى باليسر والرضى

از مرفق تا سر دست سه نوبت بشوید و آب در دهان و بینی کند به نیت
و دست بر بدن بمالد و تخلیل نماید آن عضوی که در پیچیدگی و چین باشد
مثل گوش و چین شکم شخص فربه اگر آب بآن بغیر تخلیل رسد والا واجبست
تخلیل و بودن آب غسل صائمی [illegible] جنابتست و حیض و استحاضه
و نفاس و مس میت آدمی غیر معصوم و شهید بعد از سرد شدن
بسبب موت و قبل از غسل صحیح و حاصل میشود جنابت با دخال
حشفه یا قدر آن در فرجی خواه قبل باشد یا دبر و به بیرون آمدن منی و
حرام است بر جنب نماز و روزه و طواف و مس خط مصحف اگرچه تشدید
و مد باشد و اسماء الله و اسماء پیغمبران و ائمه و همچنین فاطمه علیها السلام
بشرط آنکه مقصود با الکتابه ایشان باشند و دخول مسجد مکه و مدینه
و درنگ کردن در مساجد و چیزی نهادن و قرائت عزایم اربع یعنی
سوره الم سجده و فصلت والنجم واقرا اگرچه بعضی از آنها باشد [illegible]

ابتدا که در کارها بنام خدای تعالی کردی جز را شعار خود کن و قانع باش که به مطلب یکسی به سبب راضی بودن به چیز قلیل

سه شبانه روز متصل است بنوعی که چون قطنه استعمال کند
ملوث بیرون آید و اکثر آن ده شبانه روز است [illegible] یعنی فاصله
میان دو حیض ده شبانه روز است و آنچه کمتر از سه شبانه روز متصل
و بیشتر از ده شبانه روز باشد استحاضه است [illegible] قلیله است
اگر قطنه را استعمال کند ظاهر آن ملوث باشد تنها و اگر سرایت در
باطن قطنه نیز نموده متوسطه است و اگر با وجود آن سیلان خون
نیز با آن هست کثیره است و در قلیله واجبست تغییر قطنه و غسل ابتدا
از فرج که چون بر سر پا نشیند ظاهر شود و وضو از برای هر نماز و
در متوسطه با آنها تغییر خرقه نیز و غسلی از برای نماز بامداد و در کثیره با
آنها همه غسلی از برای پیشین و پسین نیز و جمع نماید میان هر دو نماز
نماز پیشین را تاخیر نماید تا آخر وقت مختار و پسین را تقدیم نماید
و هر دو را باهم در آن وقت گذارد و غسلی دیگر از برای شام و خفتن

تحرک فان فی الحرکة برکات اذا عزمت فافعل ولا
تخل من ذلک

وبهمان طریقه جمع نماید میان ایشان و این غسلها و غسل جنابت مساوی است
در هیات الا آنکه واجبست با اینها وضو پیش از غسل یا بعد از غسل و
اگر حدثی در اثنای این غسلها واقع شد درست است غسل و واجبست
وضو بعد از آن بخلاف غسل جنابه که هیچ در آن واجب نمی شود و [illegible]
خون زایدنست که باز ایدن آید یا بعد از آن و اگر خون نیاید یا
قبل از زایدن آید نفاس نیست و اقل آن زاحدی نیست و اکثر آن ده
شبانروز است و هرچه بر حایض حرام است بر نفسا نیز حرام است
و این غسل همچون غسل حیض و استحاضه است و حرام است مجامعه
حایض و نفسا از قبل بر شوهر و اگر کند مستوجب تعزیر میشود و کافر
می شود اگر حلال داند آنرا [illegible] نیز همچنین است لیکن
واجبست سه نوبت تغسیل او [illegible] باب سدر یعنی آبی که برگ کنار
کوفته ممزوج باشد [illegible] بآبی که ممزوج کافور باشد اگر چه آن سدر

حرکت کن که هر کسیکه در حرکت برکت حاصل است هرگاه عزم کاری
کرده شروع کن دست بر مدار

وکافور اندک باشد [illegible] آب قراح یعنی آب خالص بعد از آنکه ازاله
نجاست از بدن او کرده باشند و ستر عورت میت واجبست
و ستر میان ناف تا زانو مستحب است [illegible] تحنیط میت بعد از غسل
یعنی کافور زدن به هفت عضو او که سجده بر آن واجبست مالیدن و آن پیشانی
و هر دو کف دست و سر دو انگشتهای بزرگ پا و هر دو کاسهای
زانو و افضل آنست که حنوط سیزده درهم و ثلث درهمی باشد و الا
چهار درهم و الا یک درهم و اگر یافت نشود ساقط می شود و نیت غسل
میت چنین است [illegible]
می شویم این میت را باب سدر از برای آنکه واجبست قربة الی الله
و اگر باب کافور یا قراح شوید بدل السدر الکافور یا القراح گوید و اگر
[illegible] شد [illegible] المیت گوید و آنکس که آب میریزد نیت کند و اگر
آنکس که میشوید نیز نیت کند او [illegible] که میت را بر تخته

لا ترفع حاجتك الا الى الله ولا تبرح من مكانك — هر حاجت خود را بدرگاه حق تعالی [illegible] و حرکت مکن از مکان خود

ببندد و کودی جهت آب بکند و انگشتهای او را نرمی بکشند اگر تواند
و غاسل خرقه پاک در دست پیچد و پیش از شروع در غسل عورتین میت را باب
سدر و اشنان سه نوبت بشوید از زیر چیزی که بران پوشیده باشند
پس خرقه را دور کند و دست میت را تا نیمه ساعد بشوید و او را وضو
دهد و نیت چنین کند اُوَضِّئُ هذا المیت لهذه المنة لندبه
[illegible] وضو میسازم این مرده را برای آنکه سنت است
قربة الی الله پس سر او را بکف سدر بشوید آهسته دست بر شکم
مالد در دو غسل اول مگر آنکه آبستن باشد که مطلقا دست نمالد
در غسل ابتدا بطرف راست سر کند تا آخر گردن پس طرف چپ
سر همچنین و هر عضوی را سه نوبه بشوید و همچنین عورتین به یک از کافور
و قراح سه نوبه پیش از غسل بشوید و قدری اشنان جهت استنجا
داخل آب کافور سازد و دست میت را تا نیمه ساعد سه نوبت بشوید

پس شروع در باقی غسل اعضا نماید و در هر غسلی چون از شستن فارغ
شد میت را بر دست چپ خواباند و جانب راست او را بشوید از
دوش تا قدم پس بجانب راست خواباند و چپ او را بشوید همچنین
و میت را نشاند و غاسل دست خود را تا مرفق تر در هر غسلی بشوید
و بعد از هر غسل میت را بخرقه پاک خشک سازد و اگر چیزی از موی
یا گوشت یا ناخن او افتد در میان کفن نهد و غاسل بذکر و استغفار
مشغول باشد باقر علیه السلام میفرماید ایما مؤمن غسل مؤمنا
فقال اذا قلبه [illegible] هر مؤمنی که مؤمنی را بشوید پس بگوید چون او را
از طرفی بطرفی گرداند اللهم هذا بدن عبدك المؤمن
وقد اخرجت روحه وفرقت بينهما فعفوك عفوك
بعد از ان میفرماید الا غفر الله ذنوب سنة
الا الكبائر

الا که آمرزیده شود گناه یکسال و مگر گناهان کبایر و [illegible] که میت را ده
وصله کفن نمایند از آنچیزی که جایز باشد مرد را نماز دران اگر میت
زن باشد و آن میزر است یعنی لنگوته که از ناف تا زانو باشد و جایز است
که از سینه تا قدم باشد لیکن باذن وارث و قمیص یعنی جامه که از آستین
نباشد و حد آن تا نصف ساق است و اگر تا قدم باشد جایز است با اذن
وارث و ازار و آن لفافه ایست که تمام بدن را از سر تا قدم فرو
گیرد و از بالا و شیب توان بست و اگر هر سه تمام یافت نشود اقتصار
نمایند بر آنچه یافت شود و [illegible] مردان و زنان را زیاده کردن
حبره یعنی و آن نوعیست از لباس که در یمن می بافند و اگر نباشد بدل
آن لفافه دیگر و همچنین خرقه که رانهای میت را با آن هم بندند که طول
آن سه گز و نیم شرعی باشد و عرض آن یک وجب و نیم تقریبا و مرد را
دستار و زنان را مقنعه و لفافه که بآن پستانهای او را به بندند و قطعی

و آن جامه ایست که دران خطهای باشد و از برای زینت آنرا می
پوشند و اگر نباشد بدل آن لفافه دیگر چنانکه مرد را و زنان را غیر از دستار
پنج وصله کفن باشد میزر و قمیص و ازار و خرقه جهت بستن رانها
و حبره یا لفافه بدل آن و زنان را سنت وصله غیر از مقنعه جمیع آنها با خرقه
جهة بستن پستانها و نمطیا بدل آن لفافه [illegible] که بر قمیص بر
و ازار و حبره و لفافه و عمامه تربت شریفه حسینیه فلان [illegible]
ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و ان
علیا خلیفته من بعده و الحسن و الحسین تا آخر ائمه
علیهم السلام و مستحب است دو جریده با میت در کفن نهادن یعنی دو چوب تر
از نخل و اگر نباشد از بید و اگر نباشد از انار و اگر نباشد از هر درخت تر
که باشد و بر آن شهادتین و اقرار بائمه چنانکه گذشت نوشتن [illegible]
تکفین آنست که غاسل غسل کند قبل از تکفین یا وضو بسازد و در هر دو

لا تمل من الطلب فان الله تعالی لا یحب من کثر طمعه
افعل ما نویت بیدرق

نیت رفع حدث کند و اعضای خود را بجامهٔ پاک خشک کند یا مرده دست
تا دوش بشوید و اول خبره یا لفافه بدل آن پهن کند و ذریره بر آن
پاشد و آن بوی خوشیست که آنرا ساویده باشند و شیخ نجم الدین
ابو القاسم رحمة الله علیه در معتبر تفسیر ذریره باین فرموده و شیخ
مانده پس وی اختیار آن نموده و بعد از آن ازار بر بالای آن پهن نماید
و اگر میت زن باشد اول خطاء یا لفافه بدل آن پهن سازد و بعد از آن
خبره بر بالای آن و بر آن ذریره پاشد پس حنوط که مراد اینجا کافور است
بر اعضای هفت گانهٔ میت مالد چنانکه گذشت پس خرقه که از برای بستن
ران هاست قدری پنبه بر آن نهد و ذریره بر آن افشاند و بر قبل
و دبر میت پنبهٔ ذریره پاشیده نهد و بر قبل زنان بیشتر و محکم رانهای میت را
بهم بندد پس پیراهن و پس قمیص او را پوشاند و یکی از دو برد یمنی
از جانب راست او نهد چسپیده ببدن و چنبر کردن او و یکی دیگر از

بسیار نمیشود مال و از سعی بسیار بهره نیست که خدا تعالی دوست نمیدارد کسی را که بسیار
باشد طمع او و شروع کن در کاری که قصد کرده و روزی میشود دیگر تو را

جانب چپ او نهد از زیر چنبر کردن میان قمیص و ازار و چنبه بر مرده
پیچد و در اخبار صحیحه وارد است که تا آنها تر باشند دفع عذاب
از آن میت میشود پس عمامه بر سر او پیچد و طرف شیب و بالای
آن گذارد پس هر دو طرف از زیر حنک او بیرون کند و بر سینه
او اندازد و بعد از آن او را در ازار پیچد چنانکه جانب میت در همچنین
خبره یا لفافه که بدل آنست و طرفهای هر دو از سر و پا بهم بندد و اگر
نجاستی بعد از تکفین از میت بیرون آید اگر ببدن او رسید باید شست
و اگر بکفن او رسید همچنین مگر آنکه بقبر نهند و دشوار باشد احتراز از آن
که آن می شویند پس این هنگام بچینند آن محل از کفن و بعید از نهد و اگر
چیدن نیز موجب هتک و بی پستری میت شود همچنان گذارند که
معفو است و مستحب است اعلام مؤمنان بموت مؤمن و تربیع جنازه یا که در
برداشتن ابتدا بطرف راست کند از بالا پس طرف راست آن از نشیب

اتورث ما نویت فاذا فعلت فتصدق بمثقال فضة او بمد
من طعام

پس طرف چپ آن از شیب پس طرف راست آن از بالا و چون جنازه مسید
گوید [illegible] و واجبست که قبر را
آن مقدار کنند که بوی میت را بپوشد و بدن او را از کندن ددگان دارد
و مستحبست که بقدر یک قامت باشد و لحد افضل است از شق و لحد آنست
که چون بته قبر رسید از جانب قبله موضعی کنند درازی و پهنای آن بقدر
آنکه میت را دران توان خوابانید و بلندی آن بقدر آنکه آدمی دران
تواند نشست و شق آنست که در ته قبر مثل جوی بکنند چنانکه میت را
دران توان نهاد و بالای آن توان پوشید و اگر زمین سست باشد
و خوف آن باشد که فرو آید شق افضل است و جنازه مرد را از طرف
پایین قبر نهند و اندکی صبر کنند پس دو دفعه بکنار قبر رسانند و دفعه
سیم بقبر فرو برند از جانب سر میت و زنان را به پیش قبر نهند از طرف
قبله و بیکدفعه ایشان را بعرض فرو برند آنکس که میت را در قبر می نهد گر که

مکن کار پرا که قصه کرده پس بور ثنیکه هرگاه یکمن صد و ده یک مثقال
نقره و یک چهار یک گندم

داشته باشد بگشاید و سر و پای برهنه سازد و خویش میت نباشد
مگر که میت زن باشد و چون بقبر فرو رود و بگوید اللهم اجعلها
روضة من ریاض الجنان ولا تجعلها حفرة [illegible]
[illegible] و چون میت را فرو گیرد بگوید بسم الله وبالله
وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله اللهم ایمانا
[illegible] بکتابك هذا [illegible] ورسوله
وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما
و واجبست که میت را در قبر بر دست راست خوابانند و مستحبست
که گره کفن را از جانب بالا و شیب بگشایند و چیزی از تربت شریفه
حسینیه علی صاحبها افضل الصلوة والسلام در زیر روی او نهند و او را
تلقین نمایند و بگویند پیش از آنکه خشت بر لحد چینند یا فلان
بن فلان اذکر العهد الذی خرجت علیه من

الاولیا شهادة ان لا اله الا الله وحده
لا شریك له وان محمدا عبده ورسوله
وان علیا امیر المومنین والحسن
والحسین ویاقی ایمه ذکر کند پس بگوید
ائمتك ائمة الهدی الابرار وخشت بر لحد چسپد و بگوید
اللهم صل وحدته وآنس وحشته وارحم
غربته واسکن الیه من رحمتك رحمة یستغنی
بها عن رحمة من سواك واحشره مع من کان یتولاه
و از پایین قبر بیرون آید و الکسان که حاضر باشند سنت است که به پشت
دست خاک در قبر ریزند و بگویند انا لله وانا الیه راجعون
و خاک بران انبارند و قبر را مربع سازند و قبر بقدر چهار انگشت
بلند نمایند و آب بران ریزند و ابتدا از پیش سر نمایند و بگردانند

تا بجای اول رسید و دست بر قبر نهند حاضران و فرو نشانند دران
انگشتها کشاده و بگویند اللهم [illegible] وارحم
غربته وآمن روعته و[illegible] وحدته واسکن
الیه من رحمتك رحمة یستغنی بها عن رحمة
من سواك واحشره مع من کان یتولاه و اگر میت زن باشد عوض ضمیر
هو ها گویند در همه جا و عوض یستغنی و یتولاه بیا تستغنی و تتولاه گویند
بتا و چون مردم بروند اولی کسان میت توقف نماید و طلب رحمت
جهت میت کند و به آواز بلند بگوید یا فلان بن فلان الله
ربك والقرآن کتابك ومحمد نبیك والکعبة
قبلتك وعلی امامك والحسن والحسین
و تمامی ایمه را ذکر کند پس بگوید ائمتك ائمة الهدی الابرار
و در روایت وارد است که چون میت را تلقین کردند [illegible]

[illegible]

یعنی میگوید منکر نکیر را بیمار را از نزد این شخص پس بدرستی که جدا او را سازند تلقین کردند و اگر دشوار باشد میت را به بر رسانیدن او را سنگین تا در آب فرو رود یا در چیزی نهند و رها کنند در آب رو به او ثقیل و مستحب است پرسش اهل میت چون مؤمن باشد پیش از دفن و بعد از دفن و دران ثواب بسیار وارد است و ثواب پرسش بمجرد حضور نزد صاحب مصیبت حاصل می‌شود و جایز است اگر میت مؤمن نباشد و اگر دعا کند از برای او و میت بمثل [illegible] افضل است و کافیست آنچه گفته و جایز است نقل میت بعد از دفن بیکی از مشاهد مشرفه کاهی که موجب مثله و قصور در اعضای او نشود تتمه مستحب است بیمار را صبر و عدم شکایه و اذن دادن پرسش کنندگان در روایت وارد است که دعاء بیمار در پرسش کننده مستجابست

و پرسش بعد از سه روز است و پرسش کننده هدیه با خود برد و دست بر ساعد بیمار نهد و دعا کند از برای او و زود برخیزد مگر بیمار التماس توقف نماید و بیمار ظن خود را به پروردگار خود خوب گرداند در حدیث قدسی وارد است [illegible] من نزدیکان بنده خودم بمن و وصیت نماید و متولی امر بیمار ارفق اهل او شود و کلمه شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام در زمان حضور موت تلقین او نماید تا آنکه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان علیا خلیفته من بعده ثم الحسن ثم الحسین تا آخر ائمه و همچنین کلمات فرج لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع وما فیهن وما بینهن وما تحتهن

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ اِذَا نَوَيْتَ خَيْرًا فَافْعَلْ

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِين

وارد است که دران نجات از آتش دوزخست و بردن بیمار بجای که در آن
نماز میگذارد اگر جان کندن برو دشوار باشد و سوره صافات
و یس خواندن نزد او و درست که کفهای پای او را بقبله کنند
که بعد از موت چشمها و دهان او را بهم نهند و زیر زنخ
او را به بندند و هردو دست او به پهلوهای او کشند و ساقهای او را بکشند
و روی او را بجامه بپوشند و قراءت قرآن نزد او نمایند و در شب چراغ
نزد او روشن کنند و آنکسی که خبر موت مؤمنی شنود بگوید اِنَّا لِلّٰهِ
وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْهُ عِنْدَكَ فِي
الْمُحْسِنِينَ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى
عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَلَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهُ عِنْدَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
درست که آب وضو و غسل پاک و مطلق باشد یعنی اطلاق اسم آب

کسیکه کار خیر کرده است هر گاه قصه کار خیر کنی البته بکن

بران توان نمود بی قیدی لازمی همچون آب زعفران و آرد که قید
زعفران و آرد لازم اوست در همه وقت پس اگر قلیل باشد یعنی کر نبود
بمجرد ملاقات نجاست نجس میشود اگر چه مقدار دانه خشخاش باشد
لیکن پاک می شود بریختن کری آب بران بیکدفعه یعنی بحسب عرف گویند
که این آب بیکبار ریخته شد اگر چه در واقع تدریج دران متصور باشد
و کر آنست که هر یک از طول و عرض و عمق آن سه وجب و نیم مستوی
الخلقه باشد چنانکه از تکسیر مجموع چهل و دو وجب و هفت ثمن وجبی حاصل
شود یا هزار و دویست رطل عراقی باشد و هر رطلی صد و سی درهم است
و هر درهمی شش دانگ و هر دانگی هشت دانه جو میانه و کر نجس نمی
شود الا گاهی که متیقن شود که یکی از اوصاف ثلثه که آن رنگ و طعم
و بوست بنجاست متغیر شده و پاک می شود بریختن کری بیکدفعه بر او
اگر زایل شود تغیر او و الا کری دیگر بریزند تا زایل شود و آب جاری

ارجو الله في هذا الامر خيرا

کر منبعی داشته باشد حکم کر دارد اگرچه بکر نرسد پس اگر متغیر شود
نجس می شود متغیر و ما بعد او و اگر کمتر از کر باشد و آن تغیر طول و عرض و عمق
متغیر فرو گیرد و پاک می شود بزوال تغیر و آب اندک که در حوضهای حمام است
کاهی که متصل باشد بکر حکم آب جاری دارد و آب باران در حین باریدن
همچنین و آب چاه نجس می شود بتغیر نه بمجرد ملاقات نجاست بر قول
اصح و پاک می شود بکشیدن آب آن تا زایل شود تغیر و اما تیمم واجب
می شود کاهی که متعذر باشد استعمال آب بخاک یا کلوخ یا سنگ یا رمل
یا زمین نوره و گچ قبل از پختن بشرط آنکه پاک و مباح باشد و واجبست در وی نیت
و پیوسته داشتن آن بر زدن دست بر خاک اتيمم بدلا من الوضوء
او الغسل لاستباحة الصلوة لوجوبه قربة الى الله
تیمم میکنم بدل از وضو یا غسل از برای استباحه نماز برای آنکه واجب است
قربة الى الله و هر دو دست بر زمین زدن و مسح کردن بهر دو کف دست

امید وارم که تورا درین کار خیری برسد

پیشانی را از آخر رستنگاه موی سر تا طرف بالای بینی و اگر جبینین
که هر دو طرف پیشانیست و اگر چنین تا طرف شیب مسح نماید اولی است
و بکف دست چپ پشت دست راست را از زند که مفصل کف دست و ساعد است
تا سر انگشتان مسح نمودن و بکف دست راست دست چپ همچنین
و موالات یعنی از پی یکدیگر مسح کردن و ترتیب بر نهج مذکور نگاه داشتن
و اگر تیمم بدل از وضو باشد یکنوبت دست بر زمین زدن از برای
پیشانی و دستها و اگر بدل از غسل باشد از برای هر یک از پیشانی
و دستها یکنوبت و اگر بدل از غیر غسل جنابت باشد دو تیمم کردن
یکی بدل از وضو و یکی بدل از غسل و واجبست کاهی که آب یافت نشود طلب
آن یک تیر پرتاب در زمین ناهموار و دو تیر پرتاب در زمین هموار
و جایز است وکیل داشتن در طلب آب بشرط عدالت وکیل و اگر بخریدن
بدست آید باید خرید مرویست که از کاظم علیه السلام پرسیدند که اگر کسی

ازهد بما حدثت به نفسك ان في الزهد راحة
والقناعة

باید انقدار آب که بآن وضو سازد بصد درهم یا هزار درهم دو اشته باشد
بایدش خرید فرموده و ما یسعنی مثل هذا فاشتری فتوضأ
یعنی مرا مثل این امر پیش آمد پس خریدم آب و وضو ساختم و اما نجاسات
ده اند اول بول دوم غایط از حیوانی که گوشت او حلال نباشد
سیوم مرده چهارم منی پنجم خون این هر سه از حیوانی که چون رگ
او را ببرند خون او بقوه بیرون آید و روان شود ششم سگ
خوک هفتم کافر و مراد کسی است که اظهار شهادتین نماید یا چیزی
از ضروریات دین انکار کند همچو خارجی که خروج بر امام عادل می
نماید و ناصبی که اظهار عداوه اهل البیت می نماید یا انکار فضیلت
ایشان میکند و مغالی که نسبت نبوت یا الوهیت بیکی از ائمه می نماید
هشتم هر چیز که مست کند و در اصل مایع یعنی تنک باشد همچون
شراب نه آن که آنرا از بنگ سازند نهم عصیر است یعنی آب انگور که

حریص مباش بچیزی که دولت میخواهد بدرستیکه در ترک حرص
وآرزو ما حاجت حاصل است وقانع عزیز است

بجوش شده و اجزا او زیر و بالا شود قبل از انکه دو بهر آن برود یا دو شاب
شود دهم فقاع و آنچیزیست که از آب جو می گیرند و تندی پیدا میکند
چنان که در ظرفی که هست بجوش در می آید و در اخبار بطریق ائمه اطهار
علیهم السلام وارد است که فقاع خمره مجهوله است یعنی شرابیست که مردم
آنرا نمیدانند و آنچیزی که در بازارهای مخالفان مذهب ائمه علیهم السلام
آنرا فقاع نام می کنند و میفروشند نجس است و واجبست اجتناب
از آن مگر آنکه بتحقیق معلوم باشد که اصل آن نه از آب جو است
ازاله نجاست از جامه و بدن برای نماز و طواف و دخول مساجد
کاهی که نجاست بمسجد سرایت کند بآب مطلق یعنی پاک پاک کنند چنانکه
گذشت و لابد است شستن جامه و بدن دو نوبه و فشردن جامه اگر
آب اندک باشد الا از بول پسر شیرخواره که طعام مقابل شیر نخورده باشد
که ریختن آب برآن کافیست و آبی که در حین شستن نجس جدا می شود نجس است

اشر الحاجتك علی بركت الله اذا فتح علیك
شیء لا یمنعه احد لا تخف غیر الله

وظرفی که سگ لیسیده باشد یکنوبت اول بخاک باید مالید و دو نوبت
دیگر بآب باید شست و ظرفی که خوک لیسیده باشد یا موش دران مرده
باشد و یا شراب دران بوده باشد هفت نوبة بآب باید شست
و استنجا از بول منحصر است در آب در اخبار وارد است
که لا یزیل الله الا الماء زایل نمیسازد نجاست آبرا الا آب
و همچنین استنجا از غایطی که تعدی از مخرج بصفحتین کرده باشد و مخیر است
در غایط غیر متعدی میان سه مسحه بچیزی پاک خشک که کننده نجاست باشد
اگر پاکی حاصل شود و الا بیشتر و میان آب و مخیر است میان آنکه
یکی ازان سه چیز که بآن استنجا میکند بیک صفحه طهارت کند و یکی دیگر بصفحه
دیگر و یکی اصل مخرج و میان آنکه یکی به پیش صفحه راست نهد بمحلی پاک
و بکشد تا آخر آن دیگر و اند بصفحه چپ و بکشد از آخر آن تا پیش آن
و یکی دیگر پیش صفحه چپ نهد و همچنان کند و یکی دیگر بر میان نهد و بکشد

سر کن بسوی حاجت خود بعون الله تعالی هر گاه در روا
شود بر روی تو بسته نمیشود و مترس از کسی مگر از خدا تعالی

چنانکه هر دو طرف را مسح کند و واجبست که عورة را از ناظر محترم بپوشد
و ناظر غیر محترم طفل نادان و دیوانه و زن این کس است و کنیزک این کس
اگر شوهر نداشته باشد و حرام است روی و پشت بقبله کردن در حین
بول و غایط کردن و مستحب است استبرا از بول با آنکه از مقعد تا بیخ قضیب
سه نوبت بفشرد و قضیب تا حشفه که سر قضیب است سه نوبت و تنحنح
کند و اگر آب یافت نشود جهت صحت نماز و آنچه ازاله نجاست دران
شرط است واجبست که بول را بخزف یا خاک یا مثل آن خشک سازد و
مراعات وقت اول وقت پیشین زوال آفتاب است و معلوم می شود زوال
بزیادت شدن سایه هر چیز در جانب مشرق ... و وقت پسین فراغ
از نماز پیشین است با تمامی افعال و شروط آن اقل آنچه واجبست نسبت با
مکلف و مختلف می شود این وقت نسبت با هر مکلف با آنکه نماز بقصر گذارد
یا تمام و اگر او را تمام شروط از طهارت و ازاله نجاست و غیره حاصل باشد

لا تطوّل أملك في الدنيا فإنّ الموت قريب
اجمع خاطرك فيما أنت فيه

یا بعضی یا مطلقا هیچ یک از شروط حاصل نباشد و وقت فضیلت پیشین
تا آن وقتی است که سایه هر چیز مثل آنچیز شود غیر آن سایه که هر چیز را در وقت
زوال می باشد .. فضیلت پسین تا آن وقتیست که سایه هر چیز دو مثل
آنچیز شود و اول وقت شام رفتن سرخی شرقی است از بالای سر
بجانب مغرب و اول وقت خفتن فراغ از نماز شام است با شروط آنچه واجبست نسبت با هر مکلف چنانکه گذشت و افضل تقدیم شام است
بر رفتن سرخی مغربی و تاخیر خفتن ازان و ممتد می شود وقت فضیلت خفتن
تا ربع شب و اول وقت صبح طلوع ثانی است که روشنی آن در عرض افق
پهن می شود و ممتد می شود وقت فضیلت صبح تا پیدا شدن سرخی شرقی
و یکشد وقت پیشین و پسین تا اول وقت شام با وجوب تقدیم پیشین
بر پسین و مختص می شود از آخر وقت به پسین بقدر ادای آن با شروط
چنانکه گذشت و وقت شام و خفتن تا نصف شب با وجوب تقدیم شام

اخوز.

ترا ای طول عمل کن در دنیا بود رستیکه مرگ نزدیک است جمع کن
خاطر خود را در چیزیکه ترا حاصل است

بر خفتن و مختص می شود از آخر وقت بخفتن بقدر ادای آن با شروط
چنانکه معلوم شد و یکشد وقت صبح تا طلوع آفتاب   ستر عورت عورت
مرد قبل و دبر است و آنچه مابین ایشانست و عورت زن و خنثی
جمیع بدن او است غیر از روی و هر دو کف دست تا حد کوع که مفصل سر
دست است و هر دو قدم او تا مفصل ساق و کنیزک که تمام او بنده باشد
جایز است که سر نپوشد و همچنین دختر نابالغ [illegible] در نماز توان پوشید
باید که مغصوب نباشد و پوست میته نباشد و پوست غیر ماکول اللحم نباشد
و نه موی او و نه پشم او و نه کرک او الا پوست و پشم خز که حیوانیست
چهارپای بحری که چون بیرون می افتد از بحر می میرد و هم در آن پاک است
بر مذهب اصح و الا پوست سنجاب بر سبیل کراهیت و آنچیزی که اطلاق
اسم ابریشم محض بران کنند و گویند که ابریشم است حرام است بر مرد
و خنثی را پوشیدن آن مگر در محل حرب و ضرورت همچون دفع شپش و سرما

لاتکن فی عزمك خائفاً ففیه الخیر ان شاء الله
لطیف بعباده

وجایز نیست ایشان را نماز دران و اگر اطلاق اسم ابریشم محض نکنند
بران بلکه گویند که از ابریشم است وغیر آن یا اسم غیر ابریشم بران
اطلاق کنند جایز است ایشان را پوشیدن آن و نماز دران صحیح است
ایشان را و همچنین حرام است ایشان را پوشیدن طلا و جایز نیست ایشان را
نماز دران و زنان را جایز است پوشیدن ابریشم و طلا بهر حال و صحیحست
ایشان را نماز دران و [illegible] نماز واجبست که مباح باشد و پاک باشد
از نجاستی که متعدی شود بمصلی یا آنچه محمول وی باشد لیکن موضع سجده
پیشانی زمین باشد و آنچه از زمین روید و بحسب عادت خوردنی و
پوشیدنی نباشد و [illegible] سجود بر تربت شریفه حسینیه علی صاحبها
افضل الصلوة و السلام قبله عین کعبه معظماست نسبت با کسی که
مشاهده تواند نمود بی مشقت بسیار و جهة است نسبت با کسی که
دور باشد بر مذهب اصح و جهت خطی است مستقیم میانه کعبه از دو طرف

در مشاکی مباش در کاری که اراده کرده ان الله تعالی درین
کار خیر حاصل است بدرستیکه خدای تعالی مهربانست بر بنده کان

که در هر جزوی از اجزای آن تجویز توان نمود که کعبه در انست بدین صورت

کعبه

موضع مصلی

پس اگر معرفت قبله بمحرابی که معصوم نماز فرموده باشد
معلوم شود اصلا در آنجا اجتهاد جایز نیست و جایز است
تقلید قبله بلاد مسلمانان و قبور ایشان بشرط آنکه غلط ایشان معلوم نباشد
لیکن جایز است اجتهاد در قبلهٔ ایشان بطرف راست یا چپ نه پشت
گردانیدن پس اگر بنوعی که گذشت معرفت قبله معلوم نشود واجبست اعتماد
بر نشانهای که صاحب شرع تعیین فرموده پس [illegible] اهل عراق
عرب و الحسا که برنج ایشانند آنست که جدی و آن ستاره ایست
روشن که میان او و فرقدین ستارهاییست کوچک از دو جانب
مثل نیزه ماهی که جدی سر آنست و فرقدان دنبالهٔ آن و در شبانروزی یکدوره
تمام میکند پیرامون قطب رئیس و وی راست اندازد کامی که در غایت
انحطاط باشد و فرقدان در غایت ارتفاع یا بر عکس و مغرب اعتدال سنی

اعلم ان الحرص والشره لا یزید فی رزقک وتکون فی هذه الامر خیرا

موضع غروب آفتاب در وقت حلول او باول حمل و میزان بر دست
راست و مشرق اعتدال بر دست چپ و عکس این علامت مقابل
اهل عراق است و علامت اهل شام و الخسان که بر نهج ایشانند آنست که کردانند
جدی را بر دوش چپ و سهیل را در وقت طلوع میان هر دو چشم و در حالت
غروب بر چشم راست و بنات نعش را از غایب شدن که غایت
انحطاط اوست در پس گوش راست و عکس آن علامت اهل یمن است
و علامت اهل مغرب آنست که بگردانند ثریا را بر دست راست و
عیوق بر دست چپ و جدی را بطرف چپ روی و عکس آن علامت
اهل مشرقست و اگر علامات پوشیده گردد و در وقت گنجد هر نمازی
چهار نوبت هر نوبتی بجهتی گذارد و الا آنچه در وقت گنجد به بعضی از
جهات که میسر شود و واجبست آموختن علامات نزد حاجت بآن
و اگر بسبب آنکه عامی باشد و دشوار باشد بر و آموختن یا ناپینا باشد

تقلید شخصی عدل نماید عارف بعلامات مخبر از اجتهاد و یا از یقین و اما
اعداد نمازها و رکعات آن فریضه یومیه نخست پیشین و پسین
و شام و خفتن و صبح هر یک از پیشین و پسین و خفتن چهار رکعت
است در حضر و دو رکعت در سفر و شام در حضر و سفر سه رکعت
و صبح در هر دو دو رکعت و از نوافل یومیه سی و چهار رکعت است هشت
از برای پیشین قبل از پیشین و تا سایه هر چیز مثل آن شود غیر سایه
وقت زوال و هشت بعد از آن از برای پسین تا سایه هر چیز دو مقابل
آن چیز شود غیر سایه وقت زوال و چهار نافله مغرب بعد از آن تا غروب
سرخی مغربی و دو رکعت نشسته که آنرا وتیره خوانند بعد از خفتن
تا نصف شب و آن یک رکعت محسوبست و هشت رکعت نماز شب
بعد از نصف شب و هر چند بصبح نزدیکتر باشد ثواب آن بیشتر است
و دو رکعت بعد از آن نماز شفع و یک رکعت آخر همه نماز وتر تا طلوع

صبح صادق و دو رکعت نافلهٔ صبح بعد از نمازهای شب تا طلوع سرخی
مشرق و اذان و اقامت اگر چه سنت است همچنین از مقدمات نماز است
و تاکید بسیار دران از ائمهٔ اطهار صلوات الله علیهم وارد است و صورت
اذان چنین است اول چهار نوبت الله اکبر و بعد از ان هر یک
از لفظ اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول
الله و حی علی الصلوة و حی علی الفلاح و حی علی
خیر العمل و الله اکبر و لا اله الا الله دو نوبت و اقامت مثل اذانست الا
انکه دو نوبت از اول الله اکبر می افتد و یک نوبت لا اله الا الله از آخر
و دو نوبت قد قامت الصلوة بعد از حی علی خیر العمل می افزاید و
سنت است فاصله میان اذان و اقامت بدو رکعت و این دو رکعت
در پیشین و پسین اگر از نافلهٔ ایشان باشد جایز است یا سجده کردن
یا گامی نهادن یا نشستن یا یک سبحان الله گفتن یا پاره خاموش شدن

شتاب مکن در کاری که قصد کرده ان شاء الله تعالی فرمایید

و در شام بدل سجده و نشستن توقف بقدر نفسی وارد شده و دعا
میان اذان و اقامت مستحب است اما افعال نماز قیام است بحیثیتی
که مهره‌های پشت او راست ایستد بی اعتماد بر چیزی اگر قادر باشد
و الا بهر هیأت که نزدیکتر باشد بقیام و بر ان قادر باشد و نیت و واجبست
در نیت قصد به تعیین نماز همچون فرض ظهر مثلا و ادا یا قضا و وجوب
یا ندب و قربة مثلا اصلی فرض الظهر اداء او قضاء لوجوبه
قربة الی الله نماز فرض پیشین میگذارم ادا یا قضا
برای آنکه واجبست قربة الی الله بعد از نیت تکبیر احرام است و صورت
آن الله اکبر است بر وزن افعل بعد از ان قرات الحمد است و سوره
تمام در صبح و دو رکعت اولی از باقی نمازها بقرات یکی از قراء عشره
با وجوب تقدیم الحمد بر سوره و قصد به بسم الله بعد از الحمد بسوره
معینه مگر آنکه لازم شود او را قرارت سوره معینه بمثل نذر و غیر آن

و جایز نیست در نماز فریضه یکی از عزایم اربع که آن سوره الم تنزیل و حم
سجده و والنجم و اقرأ است خواندن و واجبست قراءت کردن بآواز بلند
در صبح و دو رکعه اول شام و خفتن و آهسته خواندن در باقی و اقل بلند خواندن
آنست که بشنواند شنوایی را که نزدیک او باشد و اقل آهسته خواندن
آنست که خود را بشنواند اگر شنوا باشد و در غیر دو رکعت اولی سوره
مشروع نیست و مخیرست در میان قراءت فاتحه و سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اکبر و بعد از ان رکوعست بمرتبه که کف سر دو
دست بزانوها رسد و واجبست آرام در آن بقدر ذکر واجب
و آن ذکریست که دلالت کند بر مدح و ثنای باری تعالی و اولی سبحان
ربی العظیم و بحمده است سه نوبت و برداشتن سر از
رکوع چنانچه بکمال قیام آید و آرام دران بعد از ان سجود است بر هفت عضو
پیشانی و سر دو کف دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پایها و دا

آرام دران بقدر ذکر واجب و آن مثل رکوع است و اولی سبحان
ربی الاعلی و بحمده است سه نوبت و برداشتن سر از سجده اولی و
آرام دران و از ثانیه بعد از ان تشهد است از عقب هر دو رکعت
و آخر نماز و واجبست نشستن دران بقدر تشهد و اقل تشهد یکی از دو
صیغه است اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم
صل علی محمد و آل محمد یا اشهد ان لا اله الا الله
و اشهد ان محمدا رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد
بعد از ان تسلیم است و نشستن بقدر آن و احوط آنست که سلام واجب
و صیغه آن السلام علیکم و رحمة الله و برکاته است و از مستحبات
ترتیل قراءت یعنی اظهار حروف و اعراب آن با وضوح و بی سوال
و استعاذه از نقمه نزد آیت ایشان و از برای رکوع تکبیر گفتن و چون

لا تبطل عمانوبت ان الله تعالی فی عون العبد ما دام فی عون اخیه

سر از رکوع بالا آورد سمع الله لمن حمده و قبل از فرو نشستن از
برای سجود تکبیر گفتن و همچنین چون سر از سجدهٔ اول بردارد میان
هر دو سجده این دعا خواندن رب اغفر لی وارحمنی واجرنی
وعافنی انی لما انزلت الی من خیر فقیر
و تکبیر گفتن از برای سجدهٔ ثانیه قبل از دوتا شدن و چون خواهد
که برکعتی دیگر برخیزد گفتن بحول الله وقوته اقوم واقعد
و در تکبیرات مذکوره دستها تا گوش برداشتن و قنوت در رکعت ثانیه بعد از
قرائت و پیش از رکوع خاصه در نماز جهریه و نظر کردن در قیام بسجده
گاه و در رکوع مابین پاها و در حال قنوت بکف دست و در سجود بطرف
بینی و در نشستن بکنار و نهادن دستها در قیام بر رانها مقابل کاسهٔ زانو
انگشتها بهم پیوسته و در رکوع بکاسهٔ زانو و در سجود مقابل گوشها و در
نشستن بر رانها و زیاده کردن بر ذکر واجب و در تشهد ثانی

باری

باری تعالی و دعا و تعقیب نماز و افضل تسبیح زهرا است علیها السلام
و دعا و طلب آمرزش و سجدهٔ شکر با آنکه پیشانی بر زمین نهد پس
روی راست پس روی چپ پس باز پیشانی و بگوید آنچه منقول است
از دعا و ثنا و یا عفوک آن قدر که تواند و در این فصل بسیار از ائمه
اطهار علیهم افضل الصلوات وارد است و از جمله نمازهای واجب
نماز جمعه است و عیدین و آیات و طواف و اموات و نذر و شبه
آن که عهد است و یمین و نماز جمعه دو رکعت است بدل از پیشین
و واجب میشود بچند شرط حضور امام معصوم یا نایبی که او را بعینه
نصب فرموده باشد و مکلف بترک آن آثم میشود و منعقد میشود جمعه
بحضور نایب غیبت که فقیه امامی عدل جامع شرایط فتوی است یعنی مجتهد
و این هنگام مکلف مخیر است میان گذاردن جمعه و ظهر و بترک جمعه
آثم نمی شود اگرچه افضل آنست که جمعه بدل ظهر گذارد و عدد که هیچ تفرقت

بازیاده و تقدیم خطبتین جایز نیست که میان دو محل که نماز جمعه کنند از
کمتر از یک فرسخ باشد و بیرون میرود وقت جمعه بگردیدن سایهٔ
هر چیز مثل آن غیر آن سایه که در وقت زوال دارد و ساقط میشود
از بنده و زن و کور و آنکس که در غایت پیریست و لنگی که براه شواند
رفت و مسافر و آنکس که پیش از دو فرسخ دور باشد و نیت چنین
کند اگر امام است اُصَلِّی صَلوٰةَ الجُمُعَةِ اِمَامًا اَدَاءً لِوُجُوبِهَا
قُرْبَةً اِلَی اللّٰهِ نماز جمعه میگذارم بامامت ادا برای آنکه
واجبست قربة الی الله و اگر ماموم باشد بدل امامًا ماموما گوید نماز
عیدین دو رکعت است همچون نماز بومیه الا آنکه پنج تکبیر زیاده میشود بعد از
قرات رکعت اولی و چهار تکبیر بعد از قرارت رکعت ثانیه و واجبست
بعد هر یک ازین تکبیرات قنوت و متعین نمیشود لفظ قنوت لیکن منقول
از اهل بیت علیهم السلام افضل است و واجب میشود نماز عیدین بشرایط

درین کار خیر و خوشنهای اصلاحات انشاء الله تعالی

جمعه لیکن واجبست تاخیر خطبتین از صلوة و وقت آن از طلوع آفتاب است
تا زوال و مستحب است گاهی که شرایط وجوب موجود نباشد به جماعت
اگر امام نماز صلاحیت آن داشته باشد که باو اقتدا کنند بآنکه امامی
عادل باشد و نیت آن هم چون جمعه است الا آنکه بدل جمعه عید گوید و اگر شرط
وجوب حاصل نباشد بدل لوجوبها لندبها گوید و بفارسی از برای آنکه سنت است
و مستحب است گذاردن این نماز در صحرا الا در مکه و سجده بر زمین کردن
و گفتن موذنان الصلوة سه بار پیش نوبة و خوردن چیزی شیرین قبل از
خروج در عید فطر و بعد از بازگشتن از نماز در عید اضحی از آن چیزی
که قربان کرده و تکبیر گفتن در فطر عقیب چهار نماز که اول آن شام شب فطر
باشد و آخر آن نماز عید و در عید اضحی عقیب پانزده نماز اول آن پیشین
روز عید آنکسی که در منا باشد و غیر او عقیب ده نماز بآنکه بگوید اللّٰهُ
اَکْبَرُ اللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلٰی

لا تَعجَل فی هذا الامرِ موقوفٌ بِالوقت واللهُ رحیمٌ بِالعبد

علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا و در عید اضحی زیاده کند و در نماز
[illegible] آیات و آن کسوف شمس است و خسوف
قمر و زلزله و هر بادی تاریک کننده که سیاهی یا زردی با آن باشد و ترسیدن
مردم از آن است و غیر آن از اخاویف آسمانی دو رکعت است مثل نماز
یومیه الا آنکه در هر رکعتی پنج رکوع کند و قرائت نماید الحمد و سوره قبل از
رکوع اول و همچنین در باقی رکوعات اگر سوره تمام کرده باشد در
قرائت سابقه و الا اتمام سوره نماید یا قرائت بعضی دیگر از آن کند و باید
که قبل از رکوع پنجم و دهم سوره تمام نماید و بعد از رکوع پنجم در رکوع او
و دهم در رکعت ثانیه بسجده رود و نیت چنین کند مثلا اگر صلوة کسوف
باشد اصلی صلوة الکسوف لوجوبها قربة الی الله
نماز کسوف میگذارم برای آنکه واجبست قربة الی الله و وقت آن
حصول این اشیاست و نماز جمعه و عید را قضا نیست و نماز پیشین عوض

شتاب مکن در این کار هر کاری موقوف بوقت و خدای تعالی مهربانست بر بنده گان

جمعه باید گذارد و چون فوت شود و همچنین اگر آیات ندانسته باشد
که سبب آن حاصل شده مگر آنکه تمام قرص آفتاب یا ماه گرفته باشد که آن
هنگام قضا واجبست خواه داند یا نه [illegible] طواف دو رکعتست
بر هیئة نماز صبح و باید که بعد از طواف و قبل از سعی گذارد و نیت چنین
کند اصلی صلوة الطواف لوجوبها قربة الی الله نماز طواف
میگذارم برای آنکه واجبست قربة الی الله [illegible] اموات نیت کند
اصلی علی هذا المیت اگر مرد باشد و هذه المیتة اگر زن باشد
لوجوبها قربة الی الله نماز بر این مرده میگذارم برای آنکه واجبست
قربة الی الله پس تکبیر گوید و بعد از آن اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
پس تکبیر دیگر گوید و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
پس تکبیر دیگر گوید و بگوید اللهم اغفر للمؤمنین

توکل علی الله بما قصدت فادجعا توفیقک فی هذا الامر
ان شاء الله تعالی

والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات پس تکبیر دیگر گوید و بگوید
اللهم اغفر له وارحمه وتجاوز عن سیئاته اگر میت مردی باشد
والا اللهم اغفرها وارحمها وتجاوز عن سیئاتها
پس تکبیر دیگر گوید و از نماز بیرون آید و اگر میت مخالف و منافق باشد
دعا بعد از چهارم نکند و بچهارم از نماز بیرون آید و اگر طفل باشد بعد از
تکبیر چهارم بگوید اللهم اجعله لنا ولابویه فرطا و اگر مستضعف
باشد یعنی آنکسی که عناد و نورزد و تابع یکی بعینه نباشد بعد از تکبیر چهارم گوید
ربنا اغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلک وقهم عذاب الجحیم
نذر و شبه آن باید که بر هیئة مشروعه باشد پس اگر نذر کند مثلا
که پنج رکعت نماز بگذارم برای آنکه واجب است نیست بیک تشهد و سلام صحیح
و نیت چنین کند مثلا اصلی رکعتین لوجوبهما علی بالنذر
قربة الی الله دو رکعت نماز میگذارم برای آنکه واجب است بر من

توکل کن بر خدا تعالی در کاری که قصد کرده ای که توفیق
بیابی درین کار ان شاء الله

بنذر قربة الی الله و هر نمازی که فوت شود واجب است قضای آن و
که یادش آید و مراعات ترتیب فائته واجب است پس اگر نماز پیشین
فوت شده باشد و بعد از آن صبح اول پیشین گذارد و پس صبح
و اما منافیات نماز اخلال یکی از شروط است که گذشت و فعل بسیار
و ضابطهٔ فعل بسیار آنست که اگر کسی که بیند او را معرض از نماز داند
همچون دستاری دراز که بر سر بندد و سکوت دراز بحسب عادت و
ندانستن که چند رکعت گذارده و شک در نماز دو رکعتی و سه رکعتی و در
رکعت اول از چهار رکعتی و کم کردن یکی از ارکان خمسه که آن نیت است
و تکبیر احرام و قیامی که جهت نیت و تکبیر احرام است و قیامی که از آن
برکوع میرود و رکوع و سجدتین و زیاده کردن یکی از ایشان و کم کردن
رکعتی یا بیشتر و متذکر شدن بعد از فعلی که عمدا و سهوا مبطل نماز باشد
همچون حدث و پشت بقبله کردن و زیاده کردن رکعتی و بعد بدو حرف

فعوذ بک بما نوبت خیر لک الطف بالسعادة انشاء
الله تعالی

یا پیشتر متکلم شدن که نه قرآن و دعا و ذکر باری تعالی باشد و بعد چیزی
خوردن و آشامیدن و بعد خندهٔ بقهقهه کردن و تبسم باکی نیست و گریه کردن
باکی نیست جهة امور دنیا و بعد واجبی زیاده کردن یا کم کردن و اگر
از اجزای نماز آنچه ترک آن عمداً و سهواً مبطل نماز است آنرا رکن نماز گویند
و آن پنج است چنانچه گذشت و آنچه ترک آن عمداً مبطل نماز باشد نه سهواً آنرا
جزو غیر رکن و واجب خوانند و آن قرائت و قیام جهت آن و یکی از دو سجده
و تشهد و تسلیم است بر تقدیر وجوب [illegible] که مفسد نماز نیست بر چند
قسم است اول آنست که واجب نشود بآنچیزی غیر سجدهٔ سهو بعد از نماز
و آن ترک واجبیست غیر رکن بفراموشی و متذکر نشود تا محلش بگذرد
بآنکه بواجبی دیگر نقل نماید چنانکه ترک قرائت کند تا برکوع رود یا ترک ذکر
رکوع یا آرام در آن تا سر از رکوع بردارد یا ترک سر برداشتن از رکوع
یا آرام در آن تا بسجده رود یا ترک ذکر سجود یا ترک سجده بر اعضای هفتگانه

ک

طلب نکردن تو چیز را که قصد کرده بهر آنست از برای تو صبر کن
تا راه بیابی بسعادت ان شاء الله تعالی

کند غیر پیشانی زیرا که ترک دو سجده بر پیشانی در یک رکعت مبطل نماز است
و ترک یک سجده اگر متذکر شده و محلش باقیست بآنکه هنوز برکوع نرفته
تدارک آن واجبست مع سجدهٔ سهو و اگر محلش گذشته بآنکه برکوع رفته
بعد از نماز تدارک واجبست مع سجدهٔ سهو چنانکه خواهد آمد و همچنین ترک
آرام در سر برداشتن از سجدهٔ اولی و همچنین زیاده کردن واجب
غیر رکن بسهو و بسهو در آنچه بسبب سهو واجب شود لازم نمی شود چیزی
همچون سجدهٔ سهو و نماز احتیاط پس اگر در سجدهٔ سهو سهوی کند لازم نمیشود
او را چیزی و اگر شک در عدد آن کند بنا بر بیشتر نهد و همچنین است
نماز احتیاط و همچنین واجب نمی شود بر کثیر السهو چیزی و متحقق میشود
کثرة سهو بآنکه سهو کند سه نوبت در یک فریضه یا در سه فریضهٔ متوالیه پس
چون چنین باشد بنا نهد بر فعل آنچه شک در آن کند اگر فعل واجبی است
و بر عدم آن اگر لحوق مبطلی است و همچنین اگر شک کند که آیا بسهو ترک

امنع نفسك فيما تشتهي ان مخالفتها سعادة وراحة

واجبی کرده یا نه بنا بر فعل آن نهد و چیزی بر وی واجب نمی شود دوم آنست
که واجب شود بآن تلافی و سجدهٔ سهو و آن ترک فعلیست از واجبات نماز
و یاد وی آید قبل از فوت محل آن همچنانکه ترک فاتحه کند و بعد از قرائت
سوره یاد وی آید و ترک رکوع کند و قبل از سجود یاد وی آید و ترک سجود
کند یا تشهد و پیش از رکوع یاد وی آید پس باید دانست که محل آنچه
ترک کرده هنوز باقیست و بجای آورد و بعد از آن سجدهٔ سهو کند بر قول
اصح و همچنین اگر کسی ترک سجده یا تشهد یا صلوة بر نبی و آل علیهم السلام
کند و محلش گذشته باشد بآنکه برکنی دیگر اشتغال کرده باشد مثلا ترک
سجده کند تا برکوع رود پس بعد از تسلیم تلافی آن کند و سجدهٔ سهو بجای
آورد و چنین نیت کند اسجد السجدة المنسیة یا اتشهد التشهد
المنسی یا اصلی الصلوة المنسیة فی الفرض الفلانی
اداء لوجوبها قربة الی الله

منع کن نفس خود را در چیزیکه میخواهد بدرستیکه مخالفت نفس باعث نیک بختی است و راحت است

سجدهٔ فراموش شده یا تشهد فراموش شده میکنم یا صلوة فراموش شده
میکنم در فلان فرض و آن فرضی که باشد تعیین نماید از پیشین یا پسین یا غیر
آنها بادا برای آنکه واجبست قربة الی الله و اگر آن نماز در غیر وقت باشد
بدل ادا قضاء نیت باید کرد و نیت دو سجدهٔ سهو چنین کند اسجد
سجدتی السهو فی الفرض الفلانی اداء لوجوبهما قربة الی الله
دو سجدهٔ سهو میکنم در فلان فرض و تعیین نماید بادا برای آنکه واجبست
قربة الی الله و بدل ادا قضا گوید در غیر وقت و در هر دو سجدهٔ سهو بگوید
بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآل محمد
پس تشهدی خفیف کند و سلام دهد و اصح آنست که سجدهٔ سهو واجب
میشود بهر زیاده که غیر مبطل نماز باشد و بنقصان واجبی که غیر رکن باشد
سیم شک است اگر شک کند در بعضی از افعال نماز و محلش باقیست
بجای آورد و الا ملتفت نشود اگر شک کند میان دو رکعت و سه رکعت

هذا الامة لا تجتمع على الضلالة اذا شاورت جماعة فافعل ما امرت

بنا نهد بر سه رکعت و همچنین اگر شک کند میان سه رکعت و چهار رکعت
بنا نهد بر چهار و در هر دو صورت بعد از سلام یک رکعت بر خاسته یا دو
رکعت نشسته نماز احتیاط کذارد و اگر شک کند میان دو رکعت و چهار
رکعت بنا نهد بر چهار و بعد از سلام دو رکعت بر خاسته احتیاط بجا
آورد و اگر شک کند میان دو رکعت و سه رکعت و چهار رکعت بنا نهد
بر چهار و بعد از سلام دو رکعت بر خاسته و دو رکعت نشسته احتیاط
بجا آورد و نیت چنین کند اصلی رکعة احتیاطا یا رکعتین قائما
یا جالسا فی الفرض الفلانی اگر در وقت باشد و قضاء اگر خارج
از وقت باشد لوجوبها یا لوجوبها قربة الی الله میگذارم یک رکعت یا
دو رکعت برای احتیاط بر خاسته یا نشسته در فرض فلانی و تعیین نماید
ادا یا قضا برای آنکه واجبست قربة الی الله و دران قرائت فاتحه تنها کند
تنبیه بدانکه شک تردد است در طرفین بی رجحان طرفی و اگر یکی از

ایشان

درین کار کم از همت ندارید که مشورت کنید با جمعی که اهل باشند
پس هر چه گویند البته بکنید او را

ایشان راجح باشد آنرا ظن گویند و طرف مرجوح را وهم و حکم ظن مثل
علم است درین مسایل پس بنا بر آن نهد و ملتفت نشود بطرف وهم
بدانکه واجب می شود قصر نماز چهار رکعتی از نماز یومیه بآنکه دو رکعت
ازو می اندازد بدو شرط سفر و خوف اما سفر شرط آن هشت است اول
قصد مقصدی معلوم اما مسافت و آن هشت فرسخ است از آخر عمارت
بلد متوسط و از آخر محلات بلد عظیم همچون مصر و از آخر حله یعنی موضع
خیمها و خانهای پلاس نسبت با صحرا نشینان و هر فرسخی سه میل است
و هر میلی چهار هزار گز و هر گزی بیست و چهار انگشت و هر انگشتی
هفت جو متوسط بعرض و هر جوی هفت مو از موی اسبان غیر مدوی
و اگر چهار فرسخ باشد و در همان روز یا شب متصل بآن مراجعت نماید
حکم هشت فرسخ دارد و اگر شک در مسافت داشته باشد کافیست
قدر سیر کردن معتدل آنجا که قوافل با اثقال سیر می نمایند پوشیده

کاد الحلیم یکون نبیاً علیک بالحلم والصبر تنال من الله کرامة

شدن بانگ و دیوارهای بلد متوسط در بلندی و پستی و تقدیر کرده میشود
غیر متوسط بمتوسط چهارم سفر او واجب یا ندب یا مباح باشد پنجم
باقی بودن قصد مسافت ششم نرسیدن ببلدی که ملکی آنجا داشته
باشد اگر چه درختی باشد یا قطعه دیواری بشرط آنکه در زمان ملک شش ماه
آنجا متوطن بوده باشد یا ببلدی که آنجا را وطن دائمی خود ساخته باشد
بهمان شرط که شش ماه آنجا متوطن بوده باشد هفتم آنکه کثیر السفر نباشد
و متحقق میشود اسم کثرة بآنکه مسافرت کند تا مسافت قصر که آن هشت
فرسخ است سه نوبت که میان ایشان ده روز مقیم نشود در غیر بلد خود
با نیت اقامت در بلد خود مطلقا خواه نیت کند یا نه پس چون چنین باشد
کثیر السفر است و واجبست بر او اتمام و اگر اقامت نماید ده روز بعد
از آنکه اسم کثیر السفر بر او صادق آید بعد از آن مسافرت نماید تا مسافت
قصر واجبست بر او قصر هشتم آنکه سفر تمام وقت را از اول تا آخر فرو گیرد

حلم صفت پیغمبرانست بر تو باد که حلیم باشی و صبر کنی که خدای تعالی مرتبهٔ کرامت میرساند

پس اگر از اول وقت یا آخر آن بیابد در حضر بقدر شرایط و نماز تمام
نماید آن نماز را و مخیر است مصلی میان قصر و اتمام در مسجد مکه و مدینه
و جامع کوفه و حایر حسین علیه السلام و اتمام افضل است و درین مواضع
نیت تمام یا قصر واجبست بخلاف مواضعی که متعین است آنجا قصر که آنجا نیت
قصر واجب نیست و مستحب است مسافر را جمع میان پیشین و پسین
و شام و خفتن بآنکه اذان و اقامت جهت فریضهٔ اول نماید و اقامت تنها
جهت فریضهٔ ثانیه و میان ایشان نافله ترک نماید و همچنین سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر سی نوبت بعد از فریضه
مقصوره گفتن برای جبر قصر اما خوف خواه که از دشمن باشد یا از دزد
یا سبع یا سیلاب یا غیر اینها موجب قصر است در حضر و سفر بجماعت
و تنها پس اگر دشمن در جهت قبله نباشد و خوف باشد که هجوم نماید بر
مسلمانان و ممکن باشد که مسلمانان بدو فرقه شوند که هر یک از آن دو فرقه

ان کان قصدت الدنیا فالترک اولی وان کان دینا
فالله علی خیر

برابری با خصم توانند کرد واحتیاج بزیاده از دو فرقه نباشد یک فرقه
مقابل دشمن بایستد وامام با فرقهٔ دیگر یک رکعت گذارد پس چون امام
خواست برکعت ثانیه ایشان منفرد شوند ونماز خود تمام کنند ودر مقابل
دشمن روند پس آن فرقه که در مقابل دشمنند بیایند واحرام نماز بندند
وبا امام موافقت کنند پس چون او بتشهد نشست ایشان برخیزند وامام
در تشهد توقف کند تا ایشان نماز خود را بموضع تسلیم رسانند پس با
ایشان سلام دهد ودر نماز شام با فرقهٔ اول یک رکعت گذارد وبا فرقهٔ
ثانیه دو رکعت یا بر عکس واول اولیست واین نمازیست که پیغمبر صلی الله
علیه وآله در ذات الرقاع گذارده واگر با هر یک از این دو فرقه تمام نماز گذارد
جایز است ونماز دوم نسبت با امام سنت است واین نمازیست که
پیغمبر صلی الله علیه وآله در بطن النخل گذارده واگر دشمن در جهت قبله باشد
واو را توان دید وخوف آن باشد که هجوم نمایند وممکن باشد که اهل اسلام

اگر قصد دنیا کرده نکردن بهتر است واگر اراده دین کرده
شتاب خوشتر است

بدو صف شوند پس بدو صف شوند وامام با همگی ایشان احرام بندد وتا
برکوع رود وچون بسجود خواهد رفت صف اول متابعت او نمایند
در سجده وصف ثانی ایشان را محارسه نمایند پس چون برخواست سجده کنند
ایشان که محارسه میکردند ومحارسه نمایند ایشان که با امام سجده کرده
بودند واین نمازیست که پیغمبر صلی الله علیه وآله در عسفان گذارده
واگر جنگ در پیوندد یا خوف بمرتبه رسد که عمل بنوعی که گذشت ممکن نباشد
نماز گذارده چنان که میسر شود وآنچه تواند از شرایط وافعال وهیأت
بجای آورد وسوار سجده بر پیش زین یا بر یال مرکوب خود کند واگر نتواند
ایما کنند بسر واز جهت سجود سر زیرتر آورد ودوگانهٔ دشوار باشد
اینها همه مجزیست از هر رکعتی گفتن سبحان الله والحمد لله و
لا اله الا الله والله اکبر با نیت وتکبیر احرام وتشهد وسلام
بر تقدیر وجوب وآنکس که در خلاب مانده باشد یا غرقه در آب باشد

استرح بجالك ان الله مع الصابرين

جایز نیست که قصر کند اگر خوف نداشته باشد یا مسافر نباشد
لیکن بحسب قدرت آنچه تواند بجا آورد از شرایط و افعال میاست

فصل دوم در زکوة و خمس اما زکوة از رسول صلی الله علیه
وآله وسلم مرویست که ارض القیامة نار ما خلا ظل المؤمن
فان صدقته تظله یعنی زمین قیامت همه آتش است
الا سایه مؤمن پس بدرستی که صدقهٔ او سایه میکند براو و امیر المؤمنین
در وصیت خود میفرماید الله الله فی الزکوة فانها تطفی
غضب ربکم یعنی بپرهیزید خدایرا در زکوة و تقصیر مکنید در
دادن آن پس بدرستی که می نشاند غضب پروردگار شما را و واجب
می شود زکوة در نه چیز. شتر. گاو. گوسفند. طلا. نقره. گندم. جو.
خرما. مویز. و واجبست در اخراج آن نیت اخرج هذا القدر
من زکوة مالی لوجوبه قربة الی الله بیرون میکنم این قدر از زکوة مال

راحت اختیار کن بجای خود بدرستیکه خدای تعالی یار صابرانست

خود برای آنکه واجبست قربة الی الله شتر و نصاب آن دوازده است
چون به پنج رسید یک گوسفند واجبست و همچنین تا به بیست و پنج رسد
در هر پنج شتر یک گوسفند واجبست و بعد از آن در بیست و شش یک
شتر ماده یکساله تا بسی و شش رسد یک شتر ماده دو ساله تا
بچهل و شش رسید یک شتر ماده سه ساله تا بشصت و یک رسید
یک شتر ماده چهار ساله تا بهفتاد و شش رسید دو شتر ماده
دو ساله تا به نود و یک رسد دو شتر ماده سه ساله تا بصد و بیست و یک
رسید پس در هر پنجاه یک شتر ماده سه ساله و در چهل یک شتر
ماده دو ساله اما گاو و نصاب آن دو است در هر سی گاو یک گاو
ماده یا نر یکساله و در هر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله و گاو
و گاو در زکوة جنس واحد است اما گوسفند و نصاب آن پنج است
چون بچهل رسید یک گوسفند واجبست تا بصد و بیست و یک رسید

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فالسير في هذا الامر سرور ان شاء الله تعالى

دو گوسفند تا بدویست و یک پس سه گوسفند تا سیصد و یک سد
چهار گوسفند و تا بچهار صد رسد و زیاده پس هر صد گوسفند یک
گوسفند و آنچه میان دو نصابست عفو است یعنی در آن چیزی واجب
نمی شود و [illegible] که گوسفند زکوة از جنس گوسفندانی باشد که زکوة
دران واجب می شود الا گوسفند زکوة شرط که اگر گوسفند هفت ماهه یا
یا بز یکساله جایز است [illegible] نصاب آن بیست مثقال شرعیست
و دران نیم مثقال واجبست پس در هر چهار مثقال که زیاده شود دو قیراط
و یکمثقال شرعی شصت و هشت جو متوسط است و چهار سبع جوی و بیست
قیراط یکمثقال است [illegible] نصاب آن دویست درهم است و دران پنج
درهم واجبست پس در هر چهل درهم که زیاده شود یک درهم و در
شش دانگ است و دانگی هشت جو متوسط است و هر ده درهم هفت
مثقالست و شرطست در جمیع اصناف مذکوره که یک حول بران گذرد

سیر کن در روی زمین پس پر کردن درین کار که اراده کرده باشی
خوشحالی است ان شاء الله تعالی

و آن یازده ماه تمام است و شروع در ماه دوازدهم و چنانچه حولی
دیگر از آخر ماه دوازدهم است و شرطست در شتر و گاو و گوسفند
که خود در [illegible] چرد پس آنچه علف دهند زکوة دران واجب نیست
و شرطست در طلا و نقره که مسکوک باشد بآن سکه که معامله می کنند
پس زکوة در سبیکه و زیور واجب نیست [illegible] و جو و خرما و مویز
نصاب آن پنج وسق است و هر وسقی شصت صاعست و هر صاعی
چهار مد است و هر مدی دو رطل عراقیست و ربع رطلی چنانچه پنج وسق
دو هزار و هفتصد رطل عراقی باشد و هر رطلی صد و سی درهم است
و واجب میشود ده یک در آنچه آب روان یا آب باران خورده باشد
یا از بیخ خود آب خورده باشد و بیست و یک در آنچه آب کشند و دهند
و اگر از هر دو نوع خورده باشد حکم بر غالب است از حیثیت نفع و
بالیدن نه از حیثیت عدد آب دادن و اگر مساوی باشد در نصفی

ده یک واجبست و در نصفی بیست یک زکوة واجب می شود و بعد از بیرون
کردن مؤنات یعنی آنچه در بالیست زراعت واجبست و مکرر می شود در
سال همچون پشم و برزیگر و کهیان و مانند اینها و مستحقان زکوة
هشت صنف اند فقرا و مساکین و مراد آنست که مالک قوت سال
خود و عیال واجب النفقه نباشند عاملان و ایشان جمع کنند
صدقه و زکوة اند از قبل امام علیه السلام مولفة قلوب و ایشان
جمعی اند که مستمال می شوند بجهاد و اگرچه کافر باشند و فی الرقاب
و ایشان بندگانی اند که خود را از صاحب خریده اند و بندگانی اند
که صاحبان ایشان را بسختی میدارند و غارمان و ایشان قرض
دارانند که قرض ایشان در معصیت صرف نشده باشد و فی سبیل
و آن جمیع قربتها و مصلحتهاست همچون جهاد و حج و بنا مساجد و قناطر
وابن السبیل و آن مسافریست که وجه معاش از و منقطع شده و لا بغربت

در جمیع مواضع مولفة قلوب از ایمان یعنی قایل باشد باصول خمسه که توحید است
و عدل و نبوت و امامت و معاد و مرد زکوتی که مخالف بطایفه خود
داده چون عادت استبصار که تابعیت طریق ائمه راشدین است
یافت واجبست اعاده آن و همچنین هاشمی نباشد اگر زکوة دهنده غیر
هاشمی است و خمس بمعاش او وفا کند پس اگر وفا کند جایز است
هاشمی را قبول زکوة از غیر هاشمی و واجب النفقه نباشد همچون پدر و پدر
پدر و مادر و مادر مادر و همچنین تا بالا رود و پسر و پسر پسر و همچنین
تا نشیب رود و زوجه و بنده و اگر مستحق نیابد واجبست که از مال
خود جدا کند و وصیت بآن نماید زکوة واجبه زکوة فطر است
واجب می شود بر هر عاقل بالغ آزاد که مالک باشد قوت سال خود و عیال
واجب النفقة خود که بیرون کند از نفس خود و جمیع عیالی که داشته باشد
و مهمانی که جزوی از رمضان متصل بهلال شوال نزد او بوده باشد

لاعمل بالنیات اذا نویت خیرا فالتاخیر لماذا

صاعی از آنچیزی که قوت باشد غالبا همچون گندم و جو و خرما و مویز و برنج
و افضل آنست که خرما باشد و بعد از آن مویز و بعد از آن آنچه غالب قوت
بلدست و وقت آن از هلال شوالست تا زوال آفتاب روز عید
و واجبست در نیت مثلا اُخرِج هذا الصاع من زکوة
الفطر اداءً لوجوبه قربة الی الله بیرون میکنم این صاع را از زکوة
فطر بادا برای آنکه واجبست قربة الی الله و اگر وقت گذرد واجبست قضا
الناس چون صدقه و زکوة و خمس چرک مال و وسخ ما فی ایدی الناس بود
همچنانچه وارد است از پیغمبر صلی الله علیه و آله الصدقة اوساخ
ایدی الناس حضرت باری تعالی عز شانه رسول مقبول صلی الله علیه و آله
الاتقیا و ذریه مجتبی و اقربای نجبای او را که حدیث حقایق بیان نحن
اهل بیت لا یقاس بنا احد شمه ایست از عظم شان عالی ایشان
از تدنس بآن وساخ بدانسته که موذن بخست رتبه و دنائت مرتبه است اجل

رد قبول عملها نیت است هر گاه قصد کار خیر کردی پس تاخیر بجهت چیست

و اعلی و ارفع و اسنی داشت و عوض آن خمس که حقیقت لازم و شیء ثابت
واجب در ذمه امت باشان ارزانی فرموده و درین حکم بذات متعالی
مقدس خود ابتدا کرده خود را با ایشان در اختصاص آن تعظیما لشرف
قدرهم و علو منصبهم مشترک و همنشین فرموده وَاعْلَمُوا اَنَّمَا غَنِمْتُمْ
مِنْ شَیْءٍ فَاَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبٰی وَالْیَتَامٰی
وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ مصدر بامر علم برای تحقق و معقب بحرف
تاکید که اَنّ مفتوحه است در موضعین و لام ملک که مشعر است بید علیا
که موجب شرف و علاست یعنی بدانید و محقق شمارید بدرستی که آنچیزی
که غنیمت میگیرید و غنیمت در اصل لغت فایده است یعنی فایده که شما را
حاصل میشود و مراد از آن سود تجارت و زراعت است و گنجها و معدنها
و عوض ربا و حلال که بحرام آمیزد و مالک و قدر آن معلوم نباشد و زمین
ذمی که از مسلمانان بخرد و آنچه از دار الحرب بدست آید بغنیمت بدرستی

وعلى الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين ومن علامة المتو
كلون لا يخاف

که از آن خداست پنج یک آن و از آن رسول و از آن ذی القربی که امام است
و از آن یتیمان و درویشان و از آن راه گذاری فرزندان عبد المطلب و این
تفسیر و آنچه درو پست از تقسیم غنیمت فایده را که از دار الحرب بدست آید
و غیر آن چنانکه گذشت و تخصیص ذی القربی با امام و یتیمان و درویشان و راه گذاری
بفرزندان عبد المطلب مروی از ائمه هدی است علیهم سلام الله الملک الاعلی
که عارف حقایق الهی و محرم حرم اسرار نامتناهی اند و مجمع علیه اصحاب ما
اگر چه دیگران بزعم خود تفسیرات دیگر کرده اند بعد از آن میفرماید ان
كنتم امنتم بالله وما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان
يوم التقى الجمعان والله على كل شىء قدير
گردانید آنرا شرط ایمان از برای تاکید وجوب آن براست و مبالغه ایشان
در سعی ابراز ذمت یعنی اگر شما ایمان آورده اید بخدا و آنچیزی که فرستادیم
ما بر بنده ما یعنی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله از نصر ملایکه و فتح و غیر آن روز

بجناب خدا تعالی توکل کن اگر شما از اهل ایمانید علامت اهل توکل
آنست که از هیچکس نترسد مگر از خدا تعالی

فرقان یعنی روزی که فرق میان حق و باطل شد و یوم التقی الجمعان بدل است
از یوم الفرقان یعنی روزی که بهم رسیدند اهل بدر و قریش و مشهور آنست
که چهار دهم رمضان بوده و خدای بر همه چیزی تواناست یعنی بر یاری
دادن اندک بر بسیار و ناتوان بر توانا و اخبار درین باب از ائمه اخیار
علیهم السلام بسیار است از جمله آنچه صحیح است این فقیر را روایت آن خبر است
که روایت میکند سلیم بن قیس الهلالی از امیر المومنین علیه الصلوة و السلام
قال نحن والله الذين عنى الله بذي القربى الذين قرنهم الله بنفسه
قال جمعه و يقول لكم اما كثير ارقال و اعظمهم
من ذلك كله سهم ذى القربى الذى قال الله
تعالى ان كنتم امنتم بالله وما انزلنا على
عبدنا يوم الفرقان يوم التقى الجمعان
والله غنى بذى القربى والذين هم قرنهم
الله بنفسه وبنبيه فقال فان لله خمسه وللرسول

لا تکن فی امرک مهموماً فان الله رؤف بالعباد
بمصالح فامض الا

والذی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل
منا خاصة ولم یجعل لنا فی سهم الصدقة نصیبا
اکرم نبیه واکرمنا ان یطعمنا اوساخ ایدی الناس
یعنی کفت سلیم بن قیس هلالی که شنیدم از امیر المومنین علیه السلام که میفرمود
سخن بسیار بعد از ان فرمود بزرگترین ایشان همه حصه و بهره ذی القربی است
که خدای تعالی فرمود اگر شما ایمان آورده اید بخدای و آنچیزی که فرستادیم
ما بر بنده ما روز فرقان آن روزی که بهم رسیدند دو جمع بدر و قریش
مراد آیت کریمه واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه
وللرسول ولذی القربی تا یوم التقی الجمعان والله
علی کل شیء قدیر و تفسیر آن گذشت مارا بخدا سوگند که خواسته است
خدای تعالی بذی القربی که در کلام مجید فرموده است و آنکسانیم که پیوسته است
مارا خدای تعالی بنفس خود و پیغمبر خود پس گفته است پس هر کسی که از ان

غمگین مباش درین کار بدرستیکه خدای تعالی مهربانست بر بنده کان و مصلحت
دانست و شروع کن در کاریکه قصد کرده خوب میشود ان شاء الله

خداست پنج یک آن و از ان رسول و از ان ذی القربی و یتیمان و درویشان
و راه گذاری که در آیه کریمه خمس واقع اند از ما اند تنها نه از غیر ما و نگردانید
خدای تعالی جهت ما در هر صدقه نصیبی و حصه گرامی داشت پیغمبر خود را و گرامی
داشت مارا که بخوراند مارا چرکهای دستهای مردم و آن چیزی است که
روایت میکند محمد بن یزید الطبری قال کتب رجل من تجار
فارس من بعض موالی ابی الحسن الرضا علیه السلم
یسأله الاذن فی الخمس فکتب الیه بسم الله
الرحمن الرحیم ان الله واسع کریم ضمن علی
العمل الثواب و علی الخلاف العقاب لا یحل مال
الا من وجه احله الله ان الخمس عوننا علی دیننا
و علی عیالاتنا و علی موالینا و ما نفک و نشتری من اعراضنا
ممن نخاف سطوته فلا تزووه عنا ولا تحرموا انفسکم دعانا

إنما یوفی الصابرون أجرهم بغیر حساب اجمع قلبك تجد خیرا

ما قدرتم علیه فإن إخراجه مفتاح رزقكم وتمحیص
ذنوبكم وما تمهدون لأنفسكم لیوم فاقتكم والمسلم
من یفی بما عاهد ولیس المسلم من أجاب باللسان وخالف بالقلب
یعنی گفت که نوشت مردی از تاجران فارس که از موالیان ابی الحسن الرضا
بود یعنی علی ابن موسی الرضا علیهما السلام پس طلب اذن کرد در تصرف خمس
پس نوشت باو ابو الحسن الرضا علیه السلام بنام خداوند بخشاینده مهربان
بدرستی که خدای رحمت او فراخست و بخشاینده است ضامن شده است بر عمل
عبادت ثواب را و بر خلاف آنحضرت عذاب حلال نیست هیچ مالی مگر از وجهی
که خدا آنرا حلال کرده باشد بدرستی که خمس یاری دهنده است ما را بر دین
و دوام ما و بر عیالان ما و بر بندگان ما یا دوستان ما و آنچه که باز می داریم
وی خریم عرضهای خود را از آنکس که میترسیم از سطوت و حمله او پس باز
مگیرید از ما و محروم مگردانید نفسهای خود را از دعای ما بآنچه توانایی دارید

بدرستیکه خدا تعالی مزد میدهد صابران را مزدیکه حساب نداشته باشد
جمع کن دل خود را که میابی خیر بسیار انشاء الله تعالی

پس بدرستی که بیرون کردن آن کلید رزق شماست و محو گناهان شما و آنچه
می گسترید از برای نفسهای خود از برای روز احتیاج که روز قیامت است
و مسلمان آنکسی است که وفا کند از برای خدا بر آنچه عهد کرده و مسلمان نیست
آنکسی که بزبان اجابت کند و بدل مخالف باشد والسلام و آن خبریست
که روایت میکند محمد بن یزید قال قدم قوم من خراسان
علی أبی الحسن الرضا علیه السلام فسألوه أن یجعلهم
فی حل من الخمس فقال ما أمحل هذا تمحضونا المودة بألسنتكم
وتزوون عنا حقا جعله الله لنا وجعلنا له وهو الخمس لا نجعل
یعنی گفت که آمدند جمعی مسافران از خراسان بخدمت ابی الحسن الرضا علیه
السلام پس درخواست کردند که خمس بر ایشان حلال گرداند پس گفت آنحضرت
بر سبیل تعجب ما امحل هذا چه سخن محالست این با ما اظهار کمال محبت و دوستی
بزبان خود میکنید و باز میگیرید از ما حقی که گردانیده است خدا از برای

وَمَنْ هَاجَرَ اِلَى اللهِ فَاَجْرُهُ عَلَى اللهِ فَاِلَيْهِ وَنَاصِرُهُ وَحَافِظُهُ

اگر دانید است ما را برای آن و آن خمس است می‌گیر دانیم بر یکی از شما حلال و خمس گاهی واجب میشود در گنج یعنی مالی که بذخیره در زیر زمین نهاده باشد که قیمت آن به بیست مثقال طلا برسد و خمس در معدن و در غوص دریا گاهی که یک دینار برسد و در سود تجارت و صناعت و زراعت گاهی که زیاده باشد از مؤنت و خرج سال آن شخص و عیال واجب النفقه او و خمس چنانچه از تفسیر آیه کریمه معلوم شد منقسم می‌شود بشش قسم و در زمان ظهور امام علیه السلام واجبست صرف تمام آن بآنحضرت و در زمان غیبت واجبست صرف حصه یتیمان و درویشان و راه‌گذاری فرزندان عبد المطلب بایشان و احوط است که دفع کند آن سه حصه دیگر مجتهد که فقیه عدل امامی جامع شرایط فتوی است اگر او بر سبیل تتمه دفع بمستحقان باقی نماید نفقه روز بروز یا سال بسال چنانکه مصلحت بیند گاهی که خمس از کفایه معاش ایشان قاصر باشد و شرط نیست در یتیم و راه‌گذاری ایمان و فقر و در مسکین ایمان و شرطست

و کسی که رو بخدا تعالی آورد پس مزد او با خدا است و خدای تعالی دوست و یاری کننده و نگه دارنده اوست

حول یعنی که یک سال در تصرف باشد در سود تجارت و زراعت و صناعت لیکن جایز است تاخیر تا آخر حول و واجبست در نیت أُخْرِجُ هَذَا الْقَدْرَ مِنَ الْخُمْسِ لِوُجُوبِهِ قُرْبَةً إِلَى اللهِ بیرون میکنم این قدر از خمس برای آنکه واجبست قربة الی الله و در حرام ممتزج بحلال نیت چنین کند أُخْرِجُ هَذَا الْقَدْرَ لِتَحْلِيلِ مَالِي لِوُجُوبِهِ قُرْبَةً إِلَى اللهِ بیرون میکنم این قدر از برای تحلیل مال خود برای آنکه واجبست قربة الی الله

فصل ششم در روزه. از صادق علیه السلام روایتست که نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ وَصَمْتُهُ تَسْبِيحٌ وَعَمَلُهُ مُتَقَبَّلٌ وَدُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ یعنی خواب روزه دار حکم عبادت دارد و سخن ناگفتن او حکم تسبیح باری تعالی دارد و عمل او مقبول است و دعای او مستجابست و واجب میشود روزه رمضان بر جمیع مکلفان بسی روز که از شعبان گذرد یا بثبوت رؤیت ماه خواه بسبیل شیاع باشد یعنی جمعی کثیر که ظن غالب باشد

لا تعجل في الامور فان الله قاضي الحاجات يقضي حاجات
بغير تعب

برصدق ایشان دید باشند خواه عدل باشند یا غیر عدل باید و شاهد عدل
و واجب میشود برؤیة ما و بر آنکسی که دید اگر چه تنها باشد و واجبست
در نیت جهت هر روزی از شب اَصُومُ غَداً مِنْ رَمَضَانَ اَدَاءً
لِوُجُوبِهِ قُرْبَةً اِلَى اللهِ فردا روزه میدارم از رمضان ادای
آنکه واجبست قربة الی الله و اگر فراموش کند تدارک آن تا وقت زوال بجا آورد
و بعد از زوال واجبست که آن روز چیزی نخورد و قضا کند و واجبست ترک
از خوردن و آشامیدن و جماعت و بقصد غبار غلیظ رسانیدن و باقی ماندن
عمدا بر جنابت تا صبح بر آید و واجب میشود کفاره و قضا بعد خوردن و آشامیدن
و مجامعت کردن و واجب می شود قضا بی کفاره با فطار کردن بگمان آنکه
شب باقیست با آنکه صبح طالع باشد و میسر باشد که رعایت طریق تحقیق نماید
و همچنین بسبب اعتماد بر قول مخبر ببقای شب با آنکه صبح طالع باشد و قدرت
بر رعایت طریق تحقیق حاصل که آنکه دو عدل خبر دهند که این هنگام قضا نیز واجب

شتاب مکن درین کار پس بر رسیتگر خدای تعالی بر آورنده حاجت روا
میکند تو را بی تعب

نمی شود و همچنین بترک اعتماد بر قول مخبر از طلوع صبح بگمان دروغ در سخن
او و حال آنکه صادق باشد و رعایت طریق تحقیق ممکن پس اگر این مخبر عدل
باشد کفاره نیز واجب می شود و همچنین با اعتماد بر قول مخبر از دخول شب
با ظهور کذب او و عدم عجز صایم از مراعات تحقیق وقت واجب می شود
قضا تنها پس اگر عاجز باشد از آن و مخبر عدل باشد قضا نیز واجب نمی شود
بروزه و همچنین بسبب تاریکی که موهم دخول شب باشد یعنی ظن غالب با آن
حاصل نباشد و جاهل باشد صایم که باین وهم افطار جایز نیست و اگر عاقل
نباشد با قضا کفاره نیز واجب می شود و بعدا قی کردن و بعد آب بگلو
رسانیدن از برای غیر نماز کاهی که فرو رود و باندرون بی اختیار و با
موجب کفاره نیز می شود و کفاره رمضان آزاد کردن بنده و یا
دو ماه از پی یکدیگر روزه یا اطعام شصت درویش مؤمن و مکلف در این ها
مخیرست هر کدام که خواهد بجای آورد و مریض اگر مرض او تا رمضانی دیگر

فی هذا الامر خیرا او برکة او لکن لا بد لک من صدقة تمضها قبل توجهات

ساقط می شود از و قضا و تصدق نماید از هر روزی یک مد طعام و مدی یا چهار یک
صاعیست و اگر صحت یافته و عزم قضا داشته و تاخیرا و بنا بر سعت وقت بود
و چون وقت تنگ شده او را مانعی مثل مرض یا حیض پیدا شده بعد از رمضان
حاضر قضا کند و اگر عزم قضا نداشته با قضا کفاره نیز واجبست از هر روزی
مدی طعام و قضا کند از میت اکبر اولاد او روزه که در غیر مرض موت از او
فوت شده و قدرت بر قضای آن داشته و آنکسی که قضای رمضان میکند
مخیرست یعنی اگر خواهد که افطار کند تواند تا وقت زوال و بعد از آن لازم
میشود او را امساک پس اگر افطار نماید بی عذری ده مسکین را طعام
و اگر عاجز باشد سه روز روزه دارد اما روزه سنت در اخبار بطریق
ائمه اخیار علیهم السلام وارد است که روزه سپر آتش دوزخست و از
روزهای موکده اول پنجشنبه است از هر ماه و اول چهارشنبه از دهه
دوم و آخر پنجشنبه از دهه آخر و قضا کند اگر ترک کرده باشد بواسطه مشقت

درین کار خیر و برکت حاصلست تورا تا پیش از شروع صدقه بده

و غیر آن و اگر نتواند تصدق کند از هر روزی مدی طعام باید و همچنین و ایام
البیض است که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماهست و روز غدیر
که هجدهم ذی الحجه است و روز مبعث نبی علیه الصلوة و السلام که
بیست و هفتم رجب است و روز مولد نبی علیه السلام که هفدهم ربیع الاول
و روزه سنت لازم نمی شود لیکن مستحب است که بعد از زوال افطار ننماید

فضیلت حاجیان

و حج و عمره و دران اجر بسیار و ثواب بیشمار وارد است
باقر علیه السلام میفرماید الحاج و المعتمر وفد الله ان سألوه
اعطاهم وان دعوه اجابهم وان شفعوا شفعهم وان
سکتوا ابتداهم ویعوضون بالدرهم الف الف درهم
یعنی آنکسان که قصد حج و عمره دارند مهمان اند از راه رسیدگان دار
الضیافه لطف خداوندی اند اگر از وی چیزی خواهند میدهد بایشان
و اگر دعا کنند آنرا مستجاب میگرداند و اگر روی شفاعت بدرگاه جلال

او آورند شفاعت ایشان قبول میفرماید و اگر هیچ نگویند کمال لطف و بنده
نوازی خود ابتدا برحمت و عنایت درباره ایشان مینماید و عوض داده
میشوند از هر یک درهم که در حج و عمره صرف کنند هزار هزار درهم و آن مرد
واجب می شود در مدت عمر یک نوبت بر هر عاقل بالغ آزادی که زاد و راحله
سفر داشته باشد و همچنین نفقه عیال واجب النفقه در مدت رفتن و باز
آمدن و بازآمدن و راه آمن باشد و حج بر سه قسم است تمتع و قران
و افراد و تمتع فرض آنکسی است که دور باشد از مکه شانزده فرسخ
و بیشتر و صفتش آنست که احرام بندد بعمره تمتع بها از یکی از مواقیت
در ماههای حج که آن شوال است و ذی القعده و ذی الحجه پس میقات
یعنی محلی که از آنجا احرام باید بست اهل عراق را یعنی عراق عرب بطن العقیق است
و اهل مدینه را مسجد شجره و اهل شام را الجحفه و اهل یمن را یلملم و اهل طایف را
قرن المنازل و طریق احرام آنست که جامهای دوخته بکند و سر برهنه کند

و چیزی که پشت پای پوشد دور کند و دو جامه احرام بپوشد بشرط آنکه
دوخته نباشد و نماز در آن باشد یکی در میان زند مثل لنگوته و یکی بر خود گیرد
بنوعی که یک دوش او پوشیده باشد مرد و زنان را واجب نمی شود الا گشادن
روی پس اگر مقنعه خود بر روی کشند جایز است بشرط آنکه از روی خود
دور دارد و نیت کند احرم العمرة المتمتع بها الی حج
الاسلام حج التمتع و البی التلبیات الاربع لعقد
احرام العمرة المتمتع بها الی حج الاسلام حج التمتع
لوجوب التمتع قربة الی الله احرام می بندم بعمره متمتع بها بحج
اسلام حج تمتع و تلبیات چهارگانه میگویم از برای عقد احرام بعمره متمتع
بها بحج اسلام حج تمتع برای وجوب همه قربة الی الله و بگوید لبیک
اللهم لبیک لبیک ان الحمد و النعمة و الملک
لا شریک لک لبیک بعد از آن بمکه رود جهت طواف عمره و ازاله

اذا عزمت علی امر فافعل ولا تمهل هما لحصل لک خیر
ان شاء الله تعالی

نجاست کند و طهارت و ستر عورت نماید همچنانکه از برای نماز و نیت کند
اطوف طواف العمرة المتمتع بها الی حج الاسلام حج
التمتع لوجوبه قربة الی الله طواف عمرهٔ متمتع بها بحج اسلام حج تمتع میکنم برای آنکه
واجبست قربة الی الله پس طواف خانهٔ کعبه کند هفت شوط و ابتدا اول
از حجر اسود نماید و ختم بر آن چنانچه حجر در طواف داخل شود و این یک
شوطست و خانهٔ کعبه را بر دست چپ اندازد و طواف او در میان خانه
و مقام ابراهیم باشد علیه السلام پس دو رکعت نماز طواف در پشت مقام
ابراهیم گذارد و نیت چنین کند اصلی رکعتی طواف العمرة المتمتع
بها الی حج الاسلام حج التمتع لوجوبها قربة الی الله
دو رکعت نماز طواف عمرهٔ متمتع بها بحج اسلام حج تمتع میگذارم برای آنکه
واجبست قربة الی الله بعد از آن سعی در میان صفا و مروه نماید هفت
شوط و ابتدا بصفا کند و بالا رود بر آن یا عقب پای بر آن چسباند و نیت

هرگاه اراده کاری کرده شروع کن و غمگین مشو که از برای تو خیر حاصل است
ان شاء الله تعالی

کند اسعی سعی العمرة المتمتع بها الی حج الاسلام حج التمتع
لوجوبه قربة الی الله سعی میکنم سعی عمرهٔ متمتع بها بحج اسلام حج تمتع
برای آنکه واجبست قربة الی الله بمروه رود و انگشتان پاهای بر آن
چسباند و این یک شوطست پس ابتدا شوط ثانی نماید و عقب پای
بمروه چسباند و بصفا رجوع کند و انگشتان پا بر آن چسباند و همچنین
تا هفت شوط تمام کند چنانکه ابتدا سعی از صفا باشد و اختتام بمروه بعد از آن
تقصیر نماید و چنین نیت کند اقصر للاحلال من احرام العمرة
المتمتع بها الی حج الاسلام حج التمتع لوجوبه قربة الی الله
تقصیر میکنم از برای حلال شدن از احرام عمرهٔ متمتع بها بحج اسلام حج تمتع
برای آنکه واجبست قربة الی الله پس کوتاه کند چیزی از موی سر یا موی
لحیه یا از ناخنها چیند و سنت است که تقصیر در مروه کند و بآن تمام میشود
عمره و حلال می شود از هر چه احرام بسته بود از آن الا تراشیدن سر

اجلس علی باب الصبر والقناعة فان الرزق مقسوم والامر مقدر

وآن نگارست و زنان و بوی خوش و سرمه کشیدن بسیاهی آنچه بوی
خوش داشته باشد و روغن مالیدن بر اندام و بیرون کردن خون
و چیدن ناخن و دور کردن موی و قطع درخت و گیاه که در حرم رسته باشد
مگر در ملک او باشد یا اذخر باشد یا درخت میوه دار و دروغ و جدال
که آن قول لا والله و بلی والله است و کشتن جانوران اندام و همچنین انداختن
آن و پوشیدن جامهای دوخته مرد ازا و همچنین آنچه پشت پا را بپوشد
و انگشتری یعنی مرد ازا از برای زینت و زیور زنان را و حنا از برای زینت و
پوشیدن سر مرد ازا و روی زنان را و سایه کردن مرد ازا در حال راه رفتن
و پوشیدن سلاح بعد از تلبیه بعد از آن احرامی دیگر برای حج از مکه بندد و
افضل آنست که از شیب میزاب باشد در روز ترویه یعنی هشتم ذی الحجه
بعد از نماز پیشین و اگر بغیر عمد این محل فوت شود جایز نیست که از روز
عرفه که نهم ذی الحجه است مؤخر دارد و صفت آن مثل احرام عمره است لیکن

برد

نیت چنین کند احرم بحج الاسلام حج التمتع والبی التلبیات
الاربع لعقد احرام حج الاسلام حج التمتع لوجوب الجمیع
قربة الی الله احرام می بندم بحج اسلام حج تمتع و تلبیات چهارگانه
میگویم از برای عقد احرام حج اسلام حج تمتع از برای وجوب همه قربة الی الله
لبیک اللهم لبیک لبیک ان الحمد والنعمة والملک
لک لا شریک لک لبیک پس بعرفات رود و واجبست که
روز عرفه از زوال آفتاب تا غروب آنجا باشد و اگر بغیر عمد این محل فوت شود
جایز نیست که از شب عید مؤخر دارد و نیت چنین کند اقف بعرفة
فی حج الاسلام حج التمتع لوجوبه قربة الی الله
می‌ایستم در عرفه در حج اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست قربة الی الله پس بعد
از غروب بمشعر رود و آن را مزدلفه و جمع نیز میگویند و شب آنجا باشد
و واجبست که از طلوع صبح روز عید تا طلوع آفتاب آنجا باشد و اگر بغیر عمد

بنشین در مجلس صبر و قناعت پس بدرستیکه رزق بندگان قسمت شده است
و کارها مقدر است

اخلص نیتک

این محل فوت شود جایز نیست تأخیر آن از زوال روز عید و نیت چنین کند

أقفُ بالمشعر في حجّ الاسلام حجّ التمتع لوجوبه قربةً الی الله

می باشم در مشعر در حج اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست قربة الی الله پس

ثم در روز عید بمنا رود از برای رمی و ذبح و حلق و ابتدا از رمی جمرهٔ عقبه را

بهفت سنگ ریزه که از حرم برداشته باشد و نیت چنین کند أرمي هذه

الجمرة بسبع حصيات في حج الاسلام حج التمتع لوجوبه قربة الی الله

می اندازم این جمره را بهفت سنگ ریزه در حج اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست

قربة الی الله پس ذبح کند هدیی که بر متمتع واجبست و آن ثنی ایست از نعم

که شتر و گاو و گوسفند است و ثنی از شتر آنست که در سال ششم شروع کرده

باشد و از گاو و گوسفند آنکه در سال دوم و جایز است که جذع پیشه باشد

از گوسفند یعنی گوسفندی که در ماه هشتم شروع کرده باشد و واجبست

که ناقص الخلقه نباشد و ظن آن باشد که بر گردهای او پیه است و ثلث آن بخورد

خالص کن نیت خود را

و ثلثی صدقه دهد بر فقیر مومن و ثلث آن هدیه دهد و نیت چنین کند أتصدّق

بالأکل بالأهدا من هدي حج الاسلام حج التمتع

لوجوبه قربة الی الله صدقه میدهم یا هدیه میدهم یا میخورم از هدی حج

اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست قربة الی الله پس موی سر تراشد یا کوتاه

کند اگر چه بقدر سر انگشتی باشد و نیت چنین کند أحلق أو أقصّر للإحلال

من احرام حج الاسلام حج التمتع لوجوبه قربة الی الله

سر می تراشم یا موی سر کوتاه میکنم برای حلال ساختن از احرام حج اسلام

حج التمتع برای آنکه واجبست قربة الی الله و زنان و خنثی مشکل را جایز نیست

الا التقصیر پس چون چنین کند هر چیزی که برو حرام بود بواسطهٔ احرام حلال میشود

الا بوی خوش و زنان و شکار و حلال میشود بوی خوش بطواف زیارة

و سعی و زنان و شکاری که حرام می شود باحرام بطواف نسا پس رجوع بمکه

نماید در روز عید یا یازدهم از برای طواف زیارة که آنرا طواف حج و طواف

اخلص نيّتك بالله واحسن معاملتك مع النّاس ان اردت
العزّ وجلّ

عمره نیز گویند و سعی و طواف نسا کیفیت جمیع همچنانست که گذشت در عمره و
نیت چنین کند اطوف طواف حج الاسلام حج التمتع
لوجوبه قربة الی الله طواف میکنم طواف حج اسلام حج تمتع برای آنکه
واجبست قربة الی الله اصلّی رکعتی طواف حج الاسلام حج
التمتع لوجوبه قربة الی الله دو رکعت نماز طواف حج اسلام
حج تمتع میگذارم برای آنکه واجبست قربة الی الله اسعی سعی حج
الاسلام حج التمتع لوجوبه قربة الی الله
سعی میکنم سعی حج اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست قربة الی الله اطوف
طواف النساء فی حج الاسلام حج التمتع
لوجوبه قربة الی الله طواف میکنم طواف نسا در حج اسلام حج تمتع برای
آنکه واجبست قربة الی الله اصلّی رکعتی طواف النساء فی حج الاسلام
حج التمتع لوجوبهما قربة الی الله دو رکعت نماز طواف نسا میگذارم

خالص کن نیت خود را با خدایتعالی و نیکو کن کارهای خود را با خلایق
هرگاه خواهی که عزیز و آزاده باشی

در حج اسلام حج تمتع بجا آورم برای آنکه واجبست قربة الی الله پس رجوع بمنا کند
و شبهای ایام التشریق که شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است آنجا باشد
و اگر تا نصف شب باشد مجزیست و جایز است نفر یعنی رفتن از آنجا روز
دوازدهم بعد از زوال اگر متقی باشد یعنی پرهیزکار از شکار و زنان
کرده باشد و آفتاب یوم نفر اول یعنی روز دوازدهم غروب نکرده باشد
و نفر ثانی یعنی رفتن از آنجا در روز سیزدهم واجبست که بعد از طلوع آفتاب
باشد و نیت شب بودن چنین کند ابیت هذه اللیلة بمنی فی
حج الاسلام حج التمتع لوجوبه قربة الی الله
می باشم این شب در منی در حج اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست قربة الی الله
و در هر روزی از ایام التشریق جمرات ثلث را بیندازد باین ترتیب جمره
اولی پس وسطی پس جمرهٔ عقبه که روز عید انداخته بود و نیت چنان کند
که گذشت اما صورة حج قران و افراد آنست که اول احرام بحج از میقات

لا تحرك مكانك فان طالب لا كثر مهان والقانع عزيز

بند و حج بگذارد پس عمره مفرده بجای آورد و در عمره مفرده طواف نسا
و دو رکعت آن زیاد می شود و تمیز میشود قارن از مفرد بسیاق هدی
یعنی کشیدن هدی از اول احرام که آن را در منی کشد و به قیمت کند چنانکه
گذشت در هدی تمتع و اگر نایب باشد در نیت زیاده کند نیابة عن فلان
پس چنین نیت کند در احرام عمره أحرم بالعمرة المتمتع بها
الی حج الاسلام حج التمتع والبی التلبیات الاربع
نیابة عن فلان لوجوب الجمیع قربة الی الله
احرام می بندم بعمره متمتع بها در حج اسلام حج تمتع و تلبیات چهارگانه
میگویم به نیابة فلان از برای وجوب همه قربة الی الله برین قیاس پس تا آخر
نکته در علوم حقیقیه عقلیه و اخبار صحیحه نقلیه نبویه و امامیه ثابت شده است
که نفس انسانی بعد از فوات بدن باقیست و ادراک او درین حال
بواسطه قطع تعلقات بدنیه بدرجه اتمیه و کمال قوت متراقیست و نفوس

از جای خود حرکت مکن پس به درستیکه حریص در بسیار کردن مال همیشه خوار است و قانع عزیز است

خیره شریفه کامله را اثرهای عظیم در امداد و افاضه نسبت با مستعدان
و مستفیضان هست و چون کمال شرف رتبه و علو فضیلت نفوس
نفیسه شریفه مطهره مقدسه پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت
طاهرین معصومین آنحضرت علیهم افضل الصلوات و اکمل السلام
که از غایت اشتهار بر صغار و کبار مخالف و موالف کالشمس فی
رابعة النهار واضح و لائحست و در زیارت کمال توجه نفس مشرفه
زایر بسوی نفس شریفه مزور حاصلست مر این زایران مؤمن و
مستعدان موفق که روی نیاز بقبله آستان ملک آشیان ایشان
آورند و از بواطن ملکوتی مواطن آنحضرت استمداد و استفاضه نمایند
بامداد تام و افاده تمام مخصوص گشته بمنائح فیض بی ریب از عالم غیب
فایز خواهند گردید و اخبار دال بر کمال جلالت و نهایت اهتمام در حث
رغبت زیارت بسیار و ثواب بیشمار آن در غایت کثرت و اشتهارست

اِنْ اَرَدْتَ الطَّرِیقَ اِلَی الْحَبِیبِ فَوْقَ الْعِزِّ تَدْرِکْ لَامَ
الْکَائِن

از جمله مولانا الامام باقر علم الاولین والآخرین علیه السلام میفرماید
ابدأوا بمكة واختموا بنا یعنی ابتدای زیارت بمکه نمایید
بیت الله العظیم و ختم بما نمایید که وسایل نجات و رفع درجاتیم تا آن زیارت
در معرض قبول افتد و همچنین مرویست از آنحضرت انما امر الناس
ان یأتوا هذه الاحجار فیطوفوا بها ثم یأتونا فیخبرونا
بولایتهم ویعرضوا علینا نصرهم یعنی بدرستی که مامور شده‌اند
مردم که بیایند این سنگها را پس طواف کنند آنرا بعد از آن بیایند ما را
پس خبر دهند ما را بدوستی خود و عرض کنند بر ما یاری دادن خود و از مضمون
این حدیث شریف چند چیز مفهوم می‌شود اولا آنکه مقصود اصلی و علت
غایی از طاعت و عبادت اخلاص و ولای ایشانست صلوات الله علیهم
ثانی آنکه بی ولای ایشان هیچ طاعت بمحل قبول موصول نخواهد بود ثالثه
آنکه بر عامل عابد لازمست که وجود شریف ایشان را وسیله قبول طاعت سا

اگر ارادهٔ راه دوست کنی نخوت از سر بیرون کن پس بملایمت
و عجز روانه شو که میرسی بانچه تقدیر شده است

بعرض مراسم اخلاص و خدمت همواره متوجه باطن ملکوتی مواطن
ایشان باشد چنانکه قول آنحضرت ویعرضوا علینا نصرهم اشارت
بآنست اگرچه حضرت علیا و سدهٔ سنیای ایشان از خدمت و نصرت
مثل ما مستغنی است لیکن کمال رحمت و عنایت ایشان نسبت ببندگان
این نوع تعلیم را مقتضی است تا باین وسیله خلاص از درکات و رفع
معالی درجات مخلصان را حاصل و شامل گردد و پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
میفرماید من زارنی فی حیوتی او بعد مماتی کان
فی جواری یوم القیمة یعنی آنکس که زیارت کرد مرا با کمال ایمان
و اخلاص در حال زندگانی من یا بعد از موت من باشد در جوار و حمایت
من روز قیامت و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام میفرماید
ان لکل امام عهدا فی اعناق اولیائه و شیعته
وان من تمام الوفاء بالعهد وحسن الاداء زیارة

قبورهم فمن زارهم رغبة في زيارتهم وتصديقاً بما رغبوا
فيه كانت ائمتهم شفعاءه يوم القيمة

یعنی هر امامی را عهدیست در گردن دوستان مخلصان خود و عهد دوستی که از تمامی وفا بعهد و خوبی ادا مقتضای آن عهد زیارت قبرهای ایشانست پس آنکسی که زیارت کرد ایشان را از برای رغبت و میل بزیارت ایشان و از برای تصدیق آنچیزی که ایشان ترغیب مردم بآن کرده اند یعنی که بر سبیل اتفاق بی قصد یا تقلید یا ریا باشد باشند ائمه ایشان شفاعت کنندگان ایشان در روز قیامت و مستحب است استحباب مؤکد رفتن مدینه از برای زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام اجبار نماید مردم را اگر ترک کنند و نیت زیارت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم چنین کند

ازور النبي صلى الله عليه وآله لندبها قربة الى الله

زیارت پیغمبر میکنم از برای آنکه سنت است قربة الی الله و این مقدار مجزیست

که بگوید السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته و دو رکعت نماز زیارت گذارد و نیت چنین کند اصلي ركعتي صلوة زيارة النبي عليه السلام لندبها قربة الى الله

دو رکعت نماز زیارت پیغمبر علیه السلام میگذارم برای آنکه سنت است قربة الی الله و همچنین مستحب است زیارت فاطمه علیها السلام در روضه که میان منبر و قبر رسول است صلی الله علیه و آله و خانه او زیرا که بعضی گفته اند که در روضه مدفون است و بعضی گفته اند که در خانه و نیت چنین کند ازور فاطمة عليها السلام لندبها قربة الى الله زیارت میکنم فاطمه را علیها السلام برای آنکه سنت است قربة الی الله و این مقدار مجزیست السلام علیک یا بنت رسول الله ورحمة الله وبرکاته و دو رکعت نماز زیارت گذارد چنانچه گذشت و بدل نبی فاطمه علیها السلام قصد کند و همچنین مستحب است زیارت ائمه اربعه امام حسن مجتبی و امام علی بن العابدین و امام محمد الباقر

ان قصدت فى هذا الامر لله فلا تخف غيره

و امام جعفر الصادق علیهم الصلوة والسلام در بقیع و نیت چنین کند ازور
الائمة بالبقیع لبنیها قربة الی الله زیارت میکنم ایمه را که در بقیع اند
برای آنکه سنت است قربة الی الله و این مقدار مجزیست السلام علیکم
یا سادتی و موالی و رحمة الله وبرکاته پس هشت رکعت نماز بگذارد
از برای هر امامی دو رکعت و نیت کند چنانکه گذشت و بدل نبی آن امام که تحیت
او بگذارد و قصد کند و می توان که هر امام را جدا زیارت کند و همچنین زیارت
باقی ایمه علیهم السلام چون نماز زیارت گذارد بگوید اللهم انی صلیت
و رکعت و سجدت لك وحدك لا شریك لك
لان الصلوة والرکوع والسجود لا یکون الا لك
لانك انت الله الذی لا اله الا انت اللهم صل علی
محمد وآل محمد وابلغهم عنی افضل التحیة
والسلام اللهم وهاتان الرکعتان هدیة منی الی مولای

اگر اراده کرده‌ای درین کار رضای خدای تعالی را پس مترس از کسی مگر از خدای تعالی

وسیدی ومقتدای امامی فلان بن فلان صلوات الله علیه
اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل ذلك منی واجزنی علی
ذلك بافضل املی ورجائی فیك وفی ولیك یا ارحم الراحمین
و سنت مؤکد است زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر که هجدهم
ذی الحجه است و مبعث نبی علیه السلام که بیست و هفتم رجب است و مولد
آنحضرت که هفدهم ربیع الاول است و زیارت امام حسین علیه الصلوة والسلام
در اول رجب و نصف آن و شب نصف شعبان و روز عید فطر و روز عرفه
و عاشورا که دهم محرم است و وقت ارتفاع نهار در روز بیستم صفر و این
هفت زیارت زیارت مشهوره امام حسین است علیه السلام و در روایت
نیز استحباب زیارت آنحضرت در عید اضحی و شب فطر و شب عرفه و شب
عید اضحی و شب بیست و سیم رمضان و در هر ماهی در هر شب جمعه و روز جمعه
آمده و احادیث و اخبار بسیار از ایمه اطهار علیهم افضل الصلوات در ترغیب

زیارت ابی عبدالله الحسین علیه اکمل الصلوات وارد است اکثر از
زیارت سایر ائمه و این فقیر کثیر را در نکته این سخن تأملی بود تا حالی که از
حلّه الفیحا متوجه شرف زیارت آنحضرت بودم و در خلال طریق در
احوال غربت و کربت و عظم مصیبت آنحضرت و اصحاب و عترت شهادت
منقبتش که زبان بیان ناطقه از تقریر شرح آن واقعه لال است تأملی
میکردم و از دل جوشش و از سینه خروشش بر می آمد و از تاب آتش تصور
این حال درون دل بیقراری یافت و شعلهٔ آن نار جز به آب دیده اشکبار
انطفا نمی یافت و در اثنای آن سوز و گداز و گریه و نیاز سرّ این نکته ظاهر شد
که زیارت آنحضرت پرسش آن مصیبت عظمی و واقعهٔ کبری است و این
اشارت از ضمن دعواتی که در باب زیارت آنحضرت از ائمهٔ طاهرین
وارد است مفهوم می شود و چون مصیبت و نایرهٔ که آنحضرت و اهل بیت و عترت
عالی رتبت و اصحاب بلند مرتبتش را در آن دیار کرب و بلا آثار از آن

رو سیاهان ملعون نابکار رسیده در شدت و حدت و نکایت کرب
بمصایب و نوایب دیگر ائمه علیهم السلام نسبتی ندارد و پرسش بقدر
مصیبت و به مقدار تحمل طاقت زیارت است پس یقین که مبالغه و اهتمام
در زیارت شریف و تقبیل عتبهٔ علیهٔ منیفش از ید و اکثر خواهد بود و نقل
میفرمایند یکی از کبار اصحاب امامیه که من کثیر الزیاره بودم ابی عبدالله
الحسین را علیه السلام و چون پیری در آمد نحیف البدن و قلیل المال
شدم ناچار در زیارت شریفش تهاون واقع می شد شبی جمال با کمال
حضرت رسالت پناه محمدی که آفتاب عالمتاب از اشعهٔ لوامع آن تابیست
بخواب دیدم و آن دو دُرّ درج نبوت و دو دُرّی برج سماء هدایت و ولایت
یعنی حسن مجتبی و حسین رشید شهید کرب و بلای کربلا علیهم صلوات
الله الملک الاعلی در خدمت آنحضرت بودند پس من با ایشان گفتم
پس امام حسین علیه السلام فرمود یا رسول الله هذا الرجل کان

قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا وغیر الله لا یضرک ولا
ینفعک

بکبر زمانی فانقطع عنی این مرد کثیر الزیارة بود مرا
پس از من قطع کرد فقال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اعن
مثل الحسین تهاجر وتترک زیارته پس فرمود رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم آیا از مثل حسین علیه السلام دوری میجو
ومیگذاری زیارت او را افعلت یا رسول الله ما شاء الله
اجر مولای لکنی ضعفت وکبرت فلهذا ترکت
زیارته وقلة مالی پس گفتم یا رسول الله دو رباعی مرا که دوری
جویم از مولا و خداوندگار خود ولیکن ضعیف و پیر شده ام پس برای این
ترک کرده ام زیارت او را از برای قلت مال و دستگاه که جهت خرج
و مؤنه راه لابد منه است فقال رسول الله صلی الله علیه وآله
فاذا ضعفت کل یوم فاصعد سطح دارک واشر باصبعک السلام
الی الحسین علیه السلام پس فرمود رسول صلی الله علیه وآله وسلم

بگو که هر که نرسد بما چیزی مگر آنچه خدا نوشته باشد از برای ما و بخواهی خدا تعالی
نفع و ضرر نمیرسد تو را

پس از برای من که حال چنین باشد با لا رو هر روز بر بام خانه خود و اشارت
کن با انگشت شهادت بسوی حسین علیه السلام و بگوی السلام علیک
وعلی جدک وابیک السلام علیک وعلی امک خدیجة
السلام علیک وعلی الائمة من بنیک السلام علیک
یا صاحب الدمعة الساکبة السلام علیک یا صاحب
المصیبة الراتبة لقد اصبح کتاب الله فیک
مهجورا ورسول الله فیک محزونا ورحمة الله وبرکاته
السلام علی انصار الله وخلفائه السلام علی امناء
الله واحبائه السلام علی محال معرفة الله ومعادن حکمة
الله وحفظة سر الله وحملة کتاب الله واوصیاء نبی
الله وذریة رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ورحمة الله
وبرکاته ثم سل ما شئت فان زیارتک تصل من بعید وقریب

اذا کان النصر و النفع من الله کن متوکلا علی الله

بعد ازان بخواه آنچه میخواهی پس بدرستی که زیارت تو مقبولست از دور
و نزدیک ثم ادع بهذا الدعاء بعد ازان اضافت
کن با آن این دعا صلی الله علیک یا ابا عبد الله صلی الله علیک
یا ابا عبد الله صلی الله علیک یا ابا عبد الله الحسین السلام
علیک یا علی بن الحسین السلام علیکم ایها الشهداء السلام
السلام علیک یا عباس السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
اللهم اکتبنا من زوار الحسین علیه السلام وتفضل علینا بالحج
آمین رب العالمین اللهم اغفر لنا ولوالدینا ولاخواننا ولجمیع
المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات برحمتک یا ارحم
شیخ الطایفه ابو جعفر طوسی در مصباح نقل میکند که مستحب است زیارت
نبی و ائمه علیهم السلام در هر جمعه و ذکر میکند که مرویست از صادق جعفر
بن محمد علیه السلام که آنحضرت فرموده که کسی که اراده زیارت قبر

هرگاه بدانی که نفع و ضرر بدولت خدا است پس تو توکل کن بخدای تعالی

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و قبر امیر المومنین و فاطمه و حسن
و حسین و قبور ائمه علیهم السلام داشته باشد پس باید که در روز جمعه غسل
کند و دو جامه پاک پوشد و بصحرا رود و چهار رکعت نماز زیارت
گذارد و آنچه میسر شود دران قرائت نماید و چون فارغ شد برخیزد و رو
بقبله کند و بگوید السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته
السلام علیک ایها النبی المرسل والوصی المرتضی والسیدة
الکبری والسیدة الزهراء والسبطان المنتجبان والاولاد
والاعلام والامناء المستخزنون جئت انقطاعا
الیکم والی آبائکم وولدکم الخلف علی برکة
الحق فقلبی لکم مسلم ونصرتی لکم معدة
حتی یحکم الله بدینه فمعکم معکم لا مع عدوکم
انی من القائلین بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة

اياك والحرص في الامور فانه مذموم وصاحبه مذموم

ولا ارغم الاماثل اولئك سبحان الله من للعالمين والله اكبر
سبحان الله اسماء كد جميع خلقه والسلام على ارواحكم و
اجسادكم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته
و در روایتی دیگر آنست که از بام خانهٔ خود این زیارت کند شیخ افضل
شهید محمد ابن مکی در درس آورده در بحث زیارت ابی عبد الله الحسین
علیه السلم که آنکسی که دور باشد از وی بر بام خانهٔ خود رود و روی سوی
آسمان کند پس متوجه قبر آنحضرت شود و بگوید السلام علیک
یا ابا عبد الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته
بنویسند جهت او زوره و زوره حجه وعمره ایست و اگر هر روز پنج نوبت
چنین کند بنویسند جهت او هر یک نوبت زوره و چون زیارت آنحضرت
نماید زیارت فرزندان آنحضرت علی اکبر و شهدا و برادر آنحضرت عباس
بن امیر المؤمنین ع و حر ابن الیزید نیز نماید پس چنین گوید السلام علیک

پرهیز کن از حرص در کارها پس بدرستیکه صاحب حرص مذموم است

یا موالی یا ابا الحسین السلام علیکما ایها
الشهداء الابرار السلام علیک یا عباس
ابن امیر المؤمنین السلام علیک
یا حر ابن یزید و چون زیارت یکی از اولاد و امجاد
و کبار اصحاب ایشان نماید نیت زیارت کند بطریقی که گذشت و
بگوید السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله و
لرسوله ولامیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته
جزاک الله احسن الجزاء و دو رکعت نماز زیارة گذارد و اهدا
نماید بآنکسی که زیارت میکند و بر وی سلام فرستد بآنکه بگوید
اللهم هاتان الركعتان هدية مني الى فلان والسلام
بار خدایا این دو رکعت نماز هدیه ایست از من بفلان و السلام علیه پس
وداع نماید و بگوید سلام الله علیک ما بقیت وبقي الليل

فوض امرك الى الله فانه مدبر الامور بيد تدبيرك فيما قصدت

والنهار لا جعله الله آخر العهد منی لزیارتك اللهم
انی اتقرب الیك بزیارتی ایاه وارجو الیك النجاة من النار
برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله علی نبینا محمد وآله
[illegible] زیارت قبور مؤمنان سنت است مردان را و زنان را
بشرط آنکه بستر باشند و نامحرمی ایشان را نبیند و آواز ایشان
نشنود و موجب مزید جزع ایشان و عدم رضا بقضا نگردد که اگر چنین
باشد مکروهست زنان را از زیارت و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم در شان زنانی که شرایط مذکوره رعایت نکنند مرویست
لعن الله زوارات القبور یعنی دور از رحمت خدای باد آن زنانی
که زیارت قبرها کنند و مراد آن زنانیست که شرایط مذکوره رعایت
ننمایند و از کاظم علیه السلام مرویست که میت میداند آنکس را که زیارت
او میکند و با آنکس انس پیدا میکند و وحشت پیدا میکند چون آنکس باز

کارهای خود را بخدای تعالی واگذار پس بدرستیکه تدبیر کارها با ذات
و تدبیر میکند

میگردد و چون بمقبره درآید بگوید السلام علی اهل الدیار من
المؤمنین والمسلمین رحم الله المستقدمین منا والمستأخرین
وانا ان شاء الله بکم لاحقون و در روایت از رضا علیه السلام که هر کسیکه
دست بر قبر برادر مؤمن خود نهد و هفت نوبت سورهٔ انا انزلناه بخواند
آمن شود از فزع اکبر یعنی مرده آمن شوند از فزع روز قیامت و
مرویست که حضرت باقر علیه السلام بر قبر بعضی از شیعه در بقیع ایستاد
و فرمود اللهم ارحم غربته وصل وحدته وآنس وحشته
واسکن الیه من رحمتك رحمة یستغنی بها عن رحمة
من سواك والحقه بمن کان یتولاه بعد از آن هفت نوبت سورهٔ قدر خواند
ابن قولویه رحمه الله تعالی در کامل الزیارات نقل میکند که با آن هر یك از
فاتحه و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و
آیة الکرسی سه نوبت بخواند و در روایات بسیار از ائمهٔ اطهار صلوات

اذا توجهت الى امر فيه رضا الله لا تخف ولا ترجو غير الله
اقبغ

الله علیهم را روایتست که نماز و روزه و صدقه و حج و عمره و جمیع اعمال
صالحه نافعست میت را حتی آنکه میت در تنگی باشد پس حال بر او فراخ
و خوش گردد و بگویند او را که بسبب عمل فلانست از قبل تو و ثواب
آن برای آنکس می نویسند که آن عمل میکند و از برای میت نیز و
زیارت برادران دینی و ملاقات ایشان استحبابست که ابی جعفر محمد
ابن یعقوب کلینی که از اکابر محدثان امامیه است روایت میکند از ابی
حمزه از امام همام جعفر الصادق علیه السلام من زار اخاه في الله
وكّل الله به سبعين الف ملك ينادونه الا
طبت وطابت لك الجنة یعنی هرکس که زیارت برادر فی الله خود بکند
موکل گرداند خدای تعالی هفتاد هزار فرشته که آواز دهند او را که خوش
باش و برا که خوش شد حال تو و خوش شد برای تو بهشت و قال علیه السلم
من زار اخاه في الله عز وجل قال الله عز و

هرگاه روی کنی بکاری که دانسته رضا خداست پس از کسی مترس و امیدوار مباش
از کسی بغیر از خدا و راضی شو بچیز قلیل تا بتو خیر برسد

جل ایای زرت وثوابك علي لست ارضى لك
ثوابا دون الجنة یعنی هم امام جعفر الصادق علیه السلم
میفرماید که هرکس که زیارت برادر فی الله عز وجل خود کند میگوید خدای
عز وجل مرا زیارت کردی و ثواب تو بر منست یعنی رحمت بی غایت و لطف
بی نهایت من جزا و ثواب آن اشتغال است که بتو رسانم راضی نمیشوم
برای تو ثوابی کمتر از جنت و درین باب احادیث بسیار بطریق ائمه اطهار
وارد است پس چون زیارت برادر دینی کند باید که بی تکلف و تکلیف باشد
و مستحب است که آنکسی را که زیارت کند استقبال او نماید و مصافحه
و اعتناق یکدیگر نمایند و موضع سجود یکدیگر بوسه دهند و اگر دست بوسی
نمایند جایز است خصوصا آنکس را که دست بوسند یکی از علما و ذریه
رسول الله باشد صلی الله علیه و آله امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید لا يقبل رأس احد ولا يده الا رسول الله

لا تکن فی امر لک مترددا فتنل مرادک انشاء الله تعالی

صلی الله علیه یعنی جایز نیست بوسیدن دست هیچکس مگر
آنکسی که مراد با ورسول الله صلی الله علیه وآله باشد یعنی آنکس را که تعظیم او
جهت رسول الله باشد و آنچه حاضر باشد از طعام و شراب و میوه و بوی
خوش پیش زایر نهند و اقل آن یک شربت آب است و همچنین مستحب است
وضو زایر و دو رکعت نماز و با یکدیگر موانست کردن و سخن و وداع
کردن چون بیرون روند و مجموع این شیخ اجل شهید علیه الرحمة والرضوان
در دروس ایراد فرموده فصل پنجم در جهاد یعنی جنگ با اصناف
کفار و در جهاد ثواب بسیار و اجر بیشمار است الله سبحانه و تعالی
میفرماید فَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِینَ عَلَی الْقَاعِدِینَ أَجْرًا عَظِیمًا
یعنی زیاده و افزون گردانید است خدا آنکسانی را که جهاد و حرب
در راه او می نمایند بر آنکسانی که نشسته اند و جهاد نمی نمایند اجر و مزد
بزرگ و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید فوق کل ذی

کسیکه قانع باشد عزیز است و صاحب طمع ذلیل پس ترک
طمع کن از خلایق

و امر بواجب واجبست و امر بمندوب مندوب و منکر هر فعل بد است
و از جمله امر بمعروف و نهی منکر آنچه محتاج است بقتل یا جرح موقوفست
بر اذن امام علیه السلام الباقی واجب می شود بر کافه مکلفان بسه
شرط اول دانستن معروف و منکر عقلا همچون وجوب شکر منعم
و قبح ظلم یا شرعا همچون وجوب صلوة و قبح شرب خمر دوم تجویز تاثیر آنکه
داند یا غالب ظن او باشد که آنکسی را که امر یا نهی میکند متاثر می شود
و مامور بجا می آورد و منهی عنه را ترک میکند پس اگر تجویز نکند ساقط
می شود وجوب امر و نهی لیکن جایز است سیوم امن از ضرر و فساد
باینکه امر و نهی موجب ضرری شود در نفس یا مال نسبت با او یا بعضی
مؤمنان پس اگر آمن نباشد امر و نهی مطلقا جایز نیست و واجبست
که در امر و نهی طریق اسهل فالاسهل رعایت نماید مثلا منکری که بمجرد
اظهار کراهت فاعل آن منزجر شود بزبان نیاورد و چون بزبان باید

فیما تو فیه تجد من الله خیرا کثیرا

آورد و کنایه مفید باشد تصریح نماید و چون تصریح باید نمود مراتب او
در نرمی و درشتی مرعی باید داشت و چون بدست و زدن محتاج باشد
دران نیز همین طریقه رعایت باید کرد خاتمه در اتمام دعوای که مرویست
تاکید استحباب آن از ائمه هدی صلوات الله علیهم در فصول سابقه
مستحبست که نزد دخول خلا گوید بسم الله وبالله واعوذ
بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم
ونزد استنجا گوید اللهم حصن فرجی واستر عورتی وحرمها علی
النار ووفقنی لما یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام ونزد بیرون آمدن گوید
الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی جسدی قوته واخرج
عنی اذاه یا لها نعمة یا لها نعمة یا لها نعمة لا یقدر القادرون قدرها
ونزد آب در دهان کردن گوید اللهم لقنی حجتی یوم القاک
واطلق لسانی بذکراک ونزد آب در بینی کردن گوید

روانه شو بسوی کاریکه اراده کرده ای از زندان تنها
بتو خیر بسیار

اللهم لا تحرم علی طیبات الجنان واجعلنی ممن یشم
روحها وریحها وطیبها ونزد غسل روی گوید اللهم بیض
وجهی یوم تسود فیه الوجوه ولا تسود وجهی
یوم تبیض فیه الوجوه ونزد غسل دست راست گوید اللهم اعطنی
کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی
حسابا یسیرا ونزد غسل دست چپ گوید اللهم لا تعطنی
کتابی بشمالی ولا تجعلها مغلولة الی عنقی
واعوذ بک من مقطعات النیران ونزد مسح سر
اللهم غشنی برحمتک وبرکاتک ونزد مسح پایها اللهم
ثبت قدمی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام واجعل
سعیی فیما یرضیک عنی یا ذا الجلال والاکرام
ونزد فراغ از وضو اللهم انی اسئلک تمام الوضوء تمام

دع الحرص على الدنيا وطلب الزيادة ولا تشدد لما نفعك الندامة

وتمام الصلوة وتمام رضوانك والجنة وسوره انا انزلناه بخواند و
در اثنای غسل بگوید اللهم طهر قلبی واشرح لی صدری
واجر علی لسانی مدحتك والثناء علیك اللهم اجعله
لی طهورا وشفاء ونورا انك علی كل شیء قدیر
وبعد از غسل اللهم طهر قلبی وزك عملی واجعل ما عندك
خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من
المتطهرین جعفر صادق علیه السلام نقل میفرماید که امیر المؤمنین
علیه السلام اصحاب خود را میفرمود که هر کس که میان اذان و اقامت
سجده کند و در سجود بگوید رب لك سجدت خاضعا خاشعا
ذلیلا خدای تعالی بگوید ملائکتی وعزتی وجلالی لاجعلن
محبته فی قلوب عبادی المؤمنین وهیبته فی قلوب المنافقین
یعنی ای فرشتگان من بعزت و بزرگواری من که هر آینه میگردانم دوستی

ترک حرص و طلب زیادتی مکن تا پشیمان نشوی و پشیمانی نفع ندارد

او را در دلهای بندگان مومن و هیبت و ترس او در دلهای منافقان
و بعد از اقامت بگوید اللهم رب هذه الدعوة التامة
والصلوة القائمة بلغ محمدا صلی الله علیه وآله الدرجة
والوسیلة والفضل والفضیلة بالله استفتح وبالله
استنجح وبمحمد رسول الله صلی الله علیه وآله اتوجه
اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعلنی بهم عندك وجیها
فی الدنیا والآخرة ومن المقربین مستحب که قبل از تکبیر احرام شش تکبیر
دیگر بگوید و در هر یک دست تا نرمه گوش بر دارد و سه تکبیر بگوید و این
دعا بخواند اللهم انت الملك الحق المبین لا اله الا انت
سبحانك انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی انه لا یغفر
الذنوب الا انت پس دو تکبیر دیگر بگوید و این دعا بخواند
لبیك وسعدیك والخیر فی یدیك والشر لیس الیك

المهدي من هديت لا منجا منك الا اليك سبحانك
وحنانيك تباركت وتعاليت سبحانك
رب البيت پس یک تکبیر دیگر بگوید واین دعا بخواند یا محسن
قد اتاك المسيء وقد امرت المحسن ان يتجاوز عن المسيء
وانت المحسن وانا المسيء فصل على محمد وآله وتجاوز
عن قبيح ما تعلم مني پس تکبیر احرام بگوید واین دعا بخواند
وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض على
ملة ابرهيم ودين محمد ومنهاج علي حنيفا مسلما وما
انا من المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياي
ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت
وانا من المسلمين وبگوید اعوذ بالله من الشيطان الرجيم
وشروع در قرائت نماید و در رکوع قبل از ذکر مستحب است که بگوید اللهم

لك ركعت ولك خشعت وبك امنت ولك اسلمت
وعليك توكلت وانت ربي خشع لك
سمعي وبصري ومخي وعصبي وعظامي وما اقلته
قدماي لله رب العالمين ودر وقت بالا آمدن از رکوع سمع الله
لمن حمده والحمد لله رب العالمين اهل الكبرياء
والجود والعظمة لله رب العالمين ودر سجود بگوید قبل از ذکر اللهم
لك سجدت وبك امنت ولك اسلمت وعليك
توكلت وانت ربي سجد لك سمعي وبصري
وشعري وعصبي ومخي وعظامي سجد وجهي الفاني
البالي للذي خلقه وصوره وشق سمعه وبصره
تبارك الله احسن الخالقين وچون سر از سجده اول بر دارد بگوید
استغفر الله ربي واتوب اليه سجده [illegible] اربع که سوره والنجم

اصبر على ما رزقك فالقدر لا يزيد ولا ينقص

وفضلت و آلم سجده و اقرأت واجبست بر قاری و مستمع و نیت تعیین

کند سجده سجده العزائم یا اولی تلاوة میکنم بر آنکه

واجبست قربة الی الله و درین سجده تکبیر نیست در حین سجده کردن

لیکن مستحب است در محلی که سر بر میدارد و در سجده گوید لا اله الا

الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا

الله عبودیة ورقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا

و در قنوت افضل کلمات فرج است و کلمات فرج اینست لا اله الا الله

الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله

رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن

وما تحتهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد

لله رب العالمين و اگر این دعا که مرویست از حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام و صادق علیه السلام شیعه خود را بر خواندن آن بعد از کلمات

صبر کن و راضی شو بر رزقیکه میرسد تورا و آنچه بتقدیر شده آن زیاد

و کم نمیشود

فرج امر میفرموده اضافت نماید اکمل است و دعا اینست اللهم

اليك شخصت الابصار ونقلت الاقدام ورفعت الايدي

ومدت الاعناق وانت دعيت بالالسن واليك سرهم

نجواهم في الاعمال ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق

وانت خير الفاتحين اللهم انا نشكو اليك غيبة

نبينا وقلة عددنا وكثرة عدونا وتظاهر الاعداء علينا

ووقوع الفتن بنا ففرج ذلك اللهم بعدل تظهره

وامام حق تعرفه اله الحق رب العالمين

و اقل قنوت اینست رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك

انت الاعز الاكرم و مجری است این دعا اللهم اغفر لنا

وارحمنا وعافنا واعف عنا في الدنيا والآخرة

انك على كل شيء قدير و این مرویست از صادق علیه السلام

و در وقت برخواستن از سجده نماز بگوید بحول الله وقوته اقوم واقعد
واركع واسجد و چون برای تشهد نشیند مستحب است که بگوید
اللهم امت الباطل واقم الحق و باین صیغه تشهد اول خواند
بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا
ونذیرا بین یدی الساعة واشهد انك نعم الرب
وان محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل
شفاعته فی امته وارفع درجته والحمد لله رب العالمین
و تشهد ثانی بصیغه تشهد اول خواند تا نعم الرسول و بعد از ان بگوید التحیات
لله الصلوات الطاهرات الطیبات الزاکیات
الغادیات الرائحات السابغات الناعمات لله ما

طاب وطهر وزکی وخلص وصفا فلله اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة
واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول و
اشهد ان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث
من فی القبور الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی
لولا ان هدانا الله الحمد لله رب العالمین اللهم
صل علی محمد وآل محمد وبارك علی محمد وآل محمد وسلم
علی محمد وآل محمد وترحم علی محمد وآل محمد کما صلیت وبارکت
وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انك حمید مجید
و مستحب است که پیش از سلام بگوید السلام علیك ایها النبی
ورحمة الله وبرکاته السلام علی جمیع انبیاء الله وملائکته

كثرة المتفرق في الدنيا مصيبة في الدين والبدن

وَرَسُولِهِ عَلَى الأئمة الهادين المهديين السلام علينا وعلى
عباد الله الصالحين و مستحب است تعقیب نماز یعنی
نشستن و دعا کردن بعد از نماز استحباب موکد و دران فضیلت بسیار است
در قرآن مجید میفرماید فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ یعنی چون فارغ
شدی از نماز فریضه فانصب الی ربک فی الدعا یعنی بپرداز به پروردگار
خود بدعا وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ و رغبت نما بسوی الحضرت
بخواهش که میدهد ترا آنچه از وی طلبی و این تفسیر مرویست از حضرت
باقر و صادق علیهما السلام مجاهد و قتاده و غیر ایشان و حضرت امام
جعفر الصادق علیه السلام میفرماید التعقيب أبلغ في طلب
الرزق من الضرب في البلاد یعنی تعقیب نماز
تاثیرش در جستن روزی از رفتن و سفر کردن در شهرها حضرت امام
محمد باقر علیه السلام میفرماید الدعاء بعد الفريضة أفضل

مفارقت بسیار از دوستان در دنیا مصیبت است او در دین و بدن

من الصلوة نفلا یعنی دعا بعد از نماز فرض ثواب آن زیاده است
از نمازی که نافله یعنی سنت باشد و سزاوار است که در تعقیب بر هیات تشهد
باشد و از هر چه مخطور است در نماز اجتناب نماید و از سر توجه
تمام و اقبال تمام بآن مشغول شود و اگر چه تعقیب منحصر نیست اما انچه
اهم است آنست که بعد از سلام سه نوبت تکبیر گوید و هر نوبه دست تا نرمه
گوش بردارد و بگوید لا إله إلا الله إلهاً واحداً ونحن له
مسلمون لا إله إلا الله لا نعبد إلا إياه مخلصين له
الدين ولو كره المشركون لا إله إلا الله ربنا ورب آبائنا
الأولين لا إله إلا الله وحده وحده وحده أنجز وعده
ونصر عبده وأعز جنده وهزم الأحزاب وحده
فله الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو على كل شيء
قدير اللهم اهدني من عندك وأفض علي من فضلك

القناعة بالقليل عز في القيامة وراحة في البدن

وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك
لا اله الا انت اغفر لي ذنوبي كلها جميعا فانه
لا يغفر الذنوب كلها جميعا الا انت اللهم
اني اسألك من كل خير احاط به علمك واعوذ بك
من كل شر احاط به علمك اللهم اني اسألك
عافيتك في اموري كلها واعوذ بك من خزي الدنيا
وعذاب الآخرة واعوذ بوجهك الكريم وعزتك التي
لا ترام وقدرتك التي لا يمتنع منها شيء من شر الدنيا والآخرة
وشر الاوجاع كلها ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

و تسبیح زهرا علیها السلام گوید سی و چهار نوبت الله اکبر سی و سه نوبت

قانع بودن بچیزی قلیل در دنیا باعث عزت و در قیامت راحت بدن

الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله و بعد از آن چهل نوبت بگوید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
و الحمد و آیه الکرسی بخواند و شهد الله انه لا اله الا هو و
الملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا
هو العزيز الحكيم قل اللهم مالك الملك
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز
من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل
شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل
وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق
من تشاء بغير حساب ان ربكم الله الذي خلق
السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على
العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس

افلاس القلب من حب الله طلب کثرة الدنیا

والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین
ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض
بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین
وقل هو الله دوازده نوبت بخواند و دست بدعا بر دارد و بگوید
اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطاهر
الطهر المبارک واسئلک باسمک العظیم وسلطانک
القدیم یا واهب العطایا ویا مطلق الاساری ویا فکاک
الرقاب من النار اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تعتق رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنیا سالما وتدخلنی
الجنة آمنا وتجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا
وآخره صلاحا انک انت علام الغیوب
حضرت باقر علم النبیین علیه الصلوة والسلام میفرماید ما انبسط

هرگاه دلی خالی باشد از محبت خدای تعالی مبتلا شود بحرص و جمع کردن مال بسیار در دنیا

الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من الهم والحزن
والعسر والعدم والصغار والذل والفواحش ما
ظهر منها وما بطن واگر مرضی داشته باشد دست بر موضع
وجع مالد و بر علت مالد و بگوید یا من کبس الارض علی الماء
وسد الهواء بالسماء واختار لنفسه احسن الاسماء
صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وارزقنی و
عافنی من شر کذا و آنچیزی که میخواهد بگوید و در صبح و شام غیر
تعقیب مذکور ده نوبت بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و در صبح بسیار
گوید سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واسئله
من فضله چنین وارد است فانه مراة للمال

شاء بل العجل الآخرة ولا بشدة مر بشرط ان لا تنحاالنهم

یعنی پس بدرستی که مال حلال از زیاده میسازد و در شام سه نوبت بگو
الحمد لله الذی یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء
غیره چنین وارد است فانه سبب للخیر الکثیر افضل
یعنی پس بدرستی که سبب خیر بسیار است و همچنین در پسین شام معتاد
نوبت استغفر الله ربی و اتوب الیه و تعقیب شام را
بعد از نافله شام نماید و باقی نمازها بعد از فرض روایت کرده اند که
علت تاخیر تعقیب شام تا بعد از نافله آنست که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم سلام فریضه شام داد بشارت ولادت امام حسن علیه السلام بآنحضرت
رسید پس دو رکعت پیش از سخن گفتن و چیزی خواندن گذارد و چون بشارت
ولادت امام حسین علیه السلام رسید دو رکعت دیگر بران افزود و اگر در
تعقیب اقتصار بر سه نوبت الله اکبر و دست بر داشتن تا نرمه گوش
و تسبیح زهرا علیها السلام نماید ثواب تعقیب حاصل می شود روایت میکند

مشورت با اهل آنحضرت با پشیمان نشوی بشرطی که مخالفت رای ایشان نکنی

ابی خالد قماط از حضرت صادق علیه السلام تسبیح فاطمه علیها السلام
فی کل یوم دبر کل صلوة احب الی من صلوة الف
رکعة فی کل یوم یعنی تسبیح فاطمه علیها السلام در هر روز
از عقب هر نمازی دوستر است سوی من از هزار رکعت نماز در هر روز
و همچنین روایت میکند ابی بحران از آنحضرت علیه السلام من سبح
فی دبر الفریضة تسبیح فاطمة المائة و اتبعها بلا اله
الا الله غفر له یعنی هر کس که تسبیح نماید خدای تعالی را در عقب هر
نماز فرضی بتسبیح فاطمه که عدد آن صد است و از پی آن لا اله
الا الله گوید آمرزیده شود و بعد از نماز خفتن و قبل از خواب سوره
واقعه قرأت نماید برای ایمن بودن از درویشی مکروه است خواب بعد از
صبح و پسین و میان نماز شام و خفتن و بعد از خفتن مشتغل شد بآنچه فائده
نداشته باشد و چون خواب کند مستحب است که نماز خفتن گذارده باشد

نه هذا الدهر خیر و سعادة لا تحزن و لا تقعد
در این کار خیر و سعادت صحبت محزون مباش و منشین

وچون خواهد که بخواب رود کف دست راست در زیر طرف روی راست
نهد و بگوید بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة
رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم انی اسلمت نفسی
الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک
و الجأت ظهری الیک رغبة و رهبة الیک لا ملجأ
و لا منجا منک الا الیک اللهم آمنت بکل کتاب
انزلته و بکل رسول ارسلته و تسبیح زهرا علیها السلام گوید
و هر یک از قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق سه نوبت
بخواند و آیه سخره که آن ان ربکم الله الذی خلق السموات
و الارض است تا ان رحمة الله قریب من المحسنین و
شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم و آیه ملک که آن

قل اللهم مالک الملک است تا بغیر حساب بخواند و یازده نوبت
انا انزلناه و لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر
و چون از خواب بیدار شود بگوید الحمد لله الذی احیانی بعد
ما اماتنی و الیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی
لاحمده و اعبده و نماز شب بعد از نصف شب باید گذارد و هر چند
بصبح نزدیکتر افضل است و بسیار که در قنوت وتر این دعا بخواند
یا من لا یرد غضبک الا حلمک و لا ینجی من نقمتک
الا التضرع الیک هب لی
الهی من لدنک رحمة تغنینی بها عن رحمة
من سواک بالقدرة التی تحیی بها میت العباد
و بها تنشر میت البلاد و لا تهلکنی

ارجوا ان هذا الامر خيرلك وتيسيرا فيما قصدت

يا الهي حتى تغفر لي وترحمني وتعرّفني اجابة
ك فيّ واذقني طعم العافية الى منتهى اجلي الهي ان
وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان رفعتني فمن ذا الذي
يضعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بيني وبينك
ويعرض لك في شيء من امره وقد علمت يا الهي
ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة انما يعجل
من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف
وقد تعاليت يا الهي عن ذلك علوا كبيرا الهي لا تجعلني
للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي
ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة
حيلتي استجير بك الليلة فاجرني واستعيذ بك
من النار فاعذني واسئلك الجنة فلا تحرمني

امید دارم که درین کار تو خیر رسد و آسان شود کاری که اراده کرده

و هفتاد نوبت بگوید استغفر الله ربي واتوب اليه
و چون از رکوع بالا آید بگوید الهي هذا مقام من حسناته
نعمة منك وذنبه عظيم وشكره ضعيف وليس له
الا رحمتك وانت قلت في كتابك المنزل على نبيك المرسل
كانوا قليلا من الليل ما يهجعون وبالاسحار هم يستغفرون
طال هجوعي وقل قيامي وهذا السحر وانا استغفرك لذنوبي استغفار
من لا يجد لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حياة ولا نشورا
و بعد از سنت صبح تسبیح زهرا علیها السلام گوید و بر پهلوی چپ خسپد
گوید استمسکت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام
لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ بالله
من شر فسقة العرب والعجم آمنت بالله توكلت
على الله الجاءت ظهري الى الله فوضت امري

اللهم عليّ هذا الامن خير الملك وفي ان شاء الله ربنا

إِنَّ اللّهَ مَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّهَ
بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا حَسْبِيَ اللّهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ وَحَاجَتُهُ إِلَى
مَخْلُوقٍ فَإِنَّ حَاجَتِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ الْحَمْدُ لِرَبِّ
الصَّبَاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ سه نوبت بعد ازان بگوید إِنَّ
فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ
اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ
فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا
بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ
مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ

جدا کردن ... در بین کار نیکو ... اکن ... دعا

آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا
عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ
که در نماز عید بعد از تکبیرات این دعا بخواند اللهم
اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَ
أَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ
وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ
أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ
لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى

در هر جا كه حفظ الله و حفظ دولت منصور و عدوت مقهور

الله عليه و آله بشرفًا و ذخرًا
و مزيدًا ان تصلي على محمد و آل
محمد و ان تدخلني في كل
خير ادخلت فيه محمدًا و آل
محمد و ان تخرجني من كل
سوء اخرجت منه محمدًا و آل محمد
صلواتك عليه و عليهم اللهم اني اسئلك
خير ما سئلك عبادك الصالحون و اعوذ
بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون

بر وخود را در پناه و حفظ خداى تعالى جاى ده كه تو منصورى و دشمنت مقهور است

نماز استسقا يعنى طلب باران همچون نماز عيد است الا آنكه در قنوت
نماز استسقا استغفار و طلب توفير آب و باران بايد كرد و از پيغمبر صلى
الله عليه و آله اين دعا مرويست در قنوت آن اللهم اسق
عبادك و بهائمك و انشر رحمتك و احى
بلادك الميتة نماز آيات ابن قطين روايت ميكند از امام همام
جعفر الصادق عليه السلام كه در حين زلزله اين دعا بخواند ان الله يمسك
السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسكهما
من احد من بعده انه كان حليمًا غفورًا اسئل ان تصلي على
محمد و آل محمد و امسك عنا السوء انك على
كل شيء قدير و فرمود كه هر كس كه نزد خواب كردن
اين دعا بخواند خانه بر وى نيفتد ان شاء الله تعالى نماز ميت و مستحب است كه در
نماز ميت بعد از تكبير اول بگويد اشهد ان لا اله الا الله وحده

کل الامور الی الله ... فانه مسبب الاسباب علیک ... بالسکون والسکوت

لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

وبعد از تکبیر ثانی بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد وبارك

علی محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد کما صلیت

وبارکت وترحمت علی ابرهیم وال ابرهیم انك حمید مجید

وبعد از تکبیر سیم بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات

والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات

تابع بیننا وبینهم بالخیرات انك مجیب

الدعوات انك علی کل شیء

قدیر وبعد از تکبیر چهارم اگر میت مؤمن باشد بگوید

اللهم عبدك وابن عبدك وابن امتك نزل

بك وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا

خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا

... با خداست بدر سنگ مسبب الاسباب ابر تو باد که حرکت
نکنی و حرف نزنی

فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه

واحشره مع من کان یتولاه من الائمة الطاهرین

واگر میت زن مؤمنه باشد بگوید اللهم امتك وبنت عبدك

وبنت امتك نزلت بك وانت خیر منزول به

اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم بها منا اللهم

ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة

فتجاوز عنها واحشرها مع من تتولاه من الائمة الطاهرین

واگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید اللهم هذه النفس انت

احییتها وانت امتها وانت اعلم بسرها وعلانیتها

فاحشرها مع من تولت واگر میت مستضعف باشد

یا منافق یا مخالف یا طفل از پیش معلوم شد و از آنکه مستحبات بسیار

کثیر است درج نوافیه مستحب باشد یا واجب خصوصا باین صیغه

بحج الیه لبیک بالخیرات فیما توجهت و منال عنائك
انشاء الله تعالی

لبیک ذا المعارج لبیک لبیک داعیا
الی دار السلام لبیک لبیک غفار الذنوب لبیک
لبیک اهل التلبیة لبیک لبیک ذا الجلال والاکرام
لبیک لبیک تبدئ والمعاد الیک لبیک لبیک
تستغنی و یفتقر الیک لبیک لبیک مرهوبا
و مرغوبا الیک لبیک لبیک اله الحق لبیک لبیک
ذا النعماء والفضل الحسن الجمیل لبیک لبیک
کشاف الکرب العظام لبیک لبیک
عبدک وابن عبدیک لبیک لبیک اتقرب
الیک بمحمد و آل محمد لبیک لبیک یا کریم
لبیک بعمرة متمتعا بها الی الحج لبیک رسول
الله صلی الله علیه و آله مودة الا و لکم

رفتن تو بسوی کاری که قصد کرده باعث رفع غم و هم تو میشود

عبد یده الی الله عز و جل الا استحیی الله تعالی ان یردها
صفرا حتی یجعل فیها شیئا من فضله و رحمته
ما یشاء فاذا دعا احدکم فلا یرد یده حتی یمسح بها
علی راسه و وجهه یعنی نگسترد بنده دست خود را بسوی خدای
عز و جل الا که شرم کند خدای تعالی که باز پس برد آن دست را
تهی تا بگرداند در آن چیزی از فضل و رحمت خود آنچه خواهد پس چون
دعا کرد یکی از شما باز پس نبرد دست خود را تا بر سر و روی خود مالد
و صدوق رحمه الله تعالی میگوید که در خبری دیگر چنین است که علی
وجهه و صدره یعنی تا بر روی و سینه خود مالد [illegible] که در
سجدهٔ شکر که در عقب تعقیب مستحب است بگوید الحمد لله شکرا شکرا
صد نوبت و در هر نوبت بگوید شکرا للمجیب و ادنی از آن شکر است
صد بار و عفوا است صد بار و اقل آن شکر است سه بار و از امیر المومنین

العفو والرحمة وتيسير الأشياء وترك التعجيل.

علیه السلام در سجده شکر منقولست اللهم وعظتنی فلم اتعظ
وزجرتنی عن محارمک فلم انزجر وغمرتنی ایادیک فما شکرت
عفوک عفوک از صادق علیه السلام رویست که ایما مؤمن
سجد لله سجدة شکر لنعمة فی غیر صلوة کتب الله له بها
عشر حسنات ومحی عنه عشر سیئات ورفع له عشر
درجات فی الجنان یعنی هر مؤمن که سجده کند از برای خدا یک سجده
وسپاس نعمتی بجای آورد در غیر نماز بنویسد خدای تعالی برای او ده
حسنه و خوبی و بستر دارد از دیوان او ده بدی و بلند گرداند
برای او ده درجه در بهشت و چون سر برداشت سنت است که پهلوی دست
راست بر موضع سجود مالد و بر طرف روی چپ مالد و همچنین کشد تا
پیشانی و طرف روی راست و بر سینه فرود آورد و سه مرتبه بگوید
بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة

میکشد خدا تعالی بروی تو در خیر را و در کار شر مگر آزاده باطلب
مردی انشاء الله تعالی

علی سلاح ینجیکم من عدوکم ویدر ارزاقکم
... قالوا بلی یا رسول الله قال صلی الله علیه
وآله تدعون ربکم باللیل والنهار فان سلاح المؤمن الدعاء
یعنی آیا دلالت کنم شما را بر سلاحی که باز دارد شما را از دشمن شما و روزی
شما را با پای رساند گفتند بلی یا رسول الله فرمود دعا کنید در شب و روز پس
بدرستی که سلاح مؤمن دعاست و از صادق علیه السلام مرویست که
فقرا بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند یا رسول الله
اغنیا چیزی دارند که بآن بنده میخرند و آزاد میکنند و ما نداریم و چیزی
دارند که بآن حج کنند و ما نداریم و چیزی دارند که صدقه کنند و ما نداریم
و چیزی دارند که بآن جهاد کنند و ما نداریم پس رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که آنکس که صد بار الله اکبر بگوید ثواب آن بیشتر است از آزاد
کردن بنده و آنکس که صد بار سبحان الله بگوید ثواب آن بیشتر است از کشیدن

اُترك الوسواس عن خاطرك والمقصود حاصل ان شاء الله تعالى

وکشتن صد شتر بزرگ در راه خدا و آنکس که صد بار الحمد لله بگوید ثواب
آن بیشترست از سوار کردن بر صد اسب در راه خدای با زین
و لجام آن و سواران آن و آنکس که صد بار بگوید لا اله الا الله
افضل مردمان باشد از روی عمل در آن روز مگر آنکسی که زیاده از و گفته باشد
پس این سخن با غنیا رسید و بآن عمل کردند پس فقرا بخدمت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم مراجعت کردند و گفتند یا رسول الله آنچه فرمودی با غنیا
رسید و عمل نمودند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ذلک
فضل الله یؤتیه من یشاء این کرم و فضل الهیست
میدهد و کرامت میفرماید بآنکس که میخواهد تکملة الخاتمة در استخاره
یعنی طلب کردن خیر و خوبی از درگاه جلال و انواع خیر را اقسام بسیر و استخاره
از آنکه مستحبات است نقل میفرماید شیخ اجل شهید در ذکری از مرون بن
خارجه که او گفت سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول اذا اراد

بیرون کن وسوسه را از خاطر خود که مقصود حاصل است ان شاء الله تعالی

احدکم امرا فلا یشاور فیه احدا من الناس حتی
یشاور الله عز وجل قلت وما مشاورة الله
قال یبدأ فیستخیر الله فیه
اولا ثم یشاور فیه فانه اذا بدأ بالله اجری الله
الخیر علی لسان من احب من الخلق
یعنی شنیدم از ابا عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه و آبائه افضل التحیة و
السلام که او فرمود که چون خواهد یکی از شما کاری پس باید که مشورت
در آن کار با هیچکس نکند از مردم تا مشورت بخدای عز و جل نماید گفتم
چیست مشورت خدای عز و جل گفت ابتدا کند پس طلب خیر و خوبی
کند از خدای عز و جل بعد از آن مشورت کند در آن امر پس چون ابتدا
کرد بخدا جاری سازد آنحضرت خیر و خوبی بزبان آنکسی که دوست میدارد
از خلق [illegible] نقل میفرماید در ذکری از معاویة بن میسره از صادق

من طلب شيئا جد الكل مجتهد نصيب لا تخف ولا تحزن

عليه السلام قال ما استخار الله عبد سبعين مرة بهذه
الاستخارة الا رماه الله بالخيرة گفت که آنحضرت فرمود که استخاره
نکند خدای تعالی را بنده هفتاد بار باین استخاره مگر که آنچه خیر او ست خدای
تعالی او را پیش آورد و بقول بگوید یا ابصر الناظرين ويا
اسمع السامعين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم
الراحمين ويا احكم الحاكمين صل على
محمد واهل بيته وخر لي في كذا وكذا ومراد بکذا وکذا آن امریست که
استخاره جهت کردن و نکردن آن می نماید مثلا اگر استخاره جهت امر سفر باشد
بگوید وخر لي في امر سفري وهمچنین مثل سفر باید در ذکری
حدیث استخاره بمصحف کریم از ابی عبدالله صادق علیه السلام که تعلیم
بعضی از اصحاب خود فرموده و مضمون حدیث والله اعلم آنست که کسی
که بر خواسته باشد جهت نماز مصحف کریم بگشاید و نظر کند اول آنچه نظر در آید

کسیکه طلب کند چیزرا جهد کند وهرکه جهد کند در کاریکه نصیب او حاصلاست
مترس وغمگین مشو

از آیات معنی آن ملاحظه نماید و فرا گیرد و عمل بمضمون آن کند [illegible]
بر سبیل رسم تبرک به حدیث از الفاظ گوهربار درر نثار حضرت
نبی مختار و آل اطهار او صلوات الله علیهم می شود که انشاالله تعالی برکات
فیض فایده آن بهمگی مؤمنان و جملگی محبان عاید و فایض شود حدیث
اول نقل میکند سید اجل افضل اورع زین الملة والدین علی بن عبدالحمید
الحسینی النجفی قدس سره العزیز در شرح مصباح المتهجد از شیخ اقدم
اعلم مقتدی الطایفة المحقة شیخ محمد مفید رحمه الله تعالی که او روایت می نماید
بامام همام بحر الحقایق جعفر بن محمد الصادق علیهم الصلوة والسلام قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم حدثني
جبرئيل عليه السلام عن رب العزة جل جلاله
انه قال من علم ان لا اله الا انا وحدي وان
محمدا عبدي وان علي ابن ابي طالب خليفتي وان

لایمة من ولده حججی ابناء الجنة وتجنبه من النار بعفو
واوجبت له جواری واوجبت له کرامتی واتممت علیه نعمتی
وجعلته من خاصتی وخالصتی ان نادانی لبیته وان دعانی
اجبته وان سألنی اعطیته وان سکت ابتدأته وان أساء رحمته
وان فر منی دعوته وان رجع الی قبلته وان قرع بابی فتحته
یعنی فرمود امام جعفر علیه السلام که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله
وسلم که من گفت جبرئیل علیه السلام از رب العزة جل جلاله که بدرستی که فرمود
آنحضرت که آنکس که دانست که هیچ خدایی غیر من نیست تنها و بدرستی که محمد بندهٔ
من و پیغمبر منست و بدرستی که علی ابن ابی طالب خلیفهٔ منست و بدرستی که امامان
و فرزندان او حجتهای من اند داخل کردانم اورا در بهشت و رستکاری دهم
اورا از آتش دوزخ بعفو و آمرزش خود و مباح سازم بر و همسایگی خود وا
ولازم سازم جهت او کرامت و فضل خود و تمام کردانم بر و نعمت و بخشش خود

و بکردانم اورا از بندکان خاص خالص خود اکر آواز دهد مرا بکویم لبیک واکر
بخواند مرا جواب کویم اورا واکر بخواهد چیزی باو دهم واکر خاموش شود
و هیچ نکوید من ابتدا کنم باو بلطف و عطای بی انتها واکر بدی کند در مقابل
رحمت کنم باو واکر بکریزد از من بخوانم اورا واکر بازکردد بمن قبول کنم
اورا واکر در رحمت مرا بدست طلب بکوبد بر و بازکنم ومن لم یشهد
ان لا اله الا انا وحدی او شهد ولم یشهد ان
محمدا عبدی ورسولی او شهد ولم یشهد
ان علی ابن ابی طالب خلیفتی او شهد ولم یشهد
ان الائمة من ولده حججی فقد جحد نعمتی وصغر عظمتی
وکفر بآیاتی وکتبی ان قصدنی حجبته وان سألنی حرمته
وان نادانی لم اسمع ندائه وان دعانی لم استجب دعائه
وان رجانی خیبته وذلک جزاؤه منی وما انا بظلام للعبید

که بالله حسبنا ما فی همک یکشف غمک

پناه خواهی بس است تو را الله تعالی غمخواری میکند تو را و رفع میکند غم تو را

یعنی و آنکس که گواهی نداد که هیچ خدایی نیست جز من تنها یا گواهی داد و گواهی
نداد که محمد بنده من و پیغمبر منست یا گواهی داد و گواهی نداد که علی بن ابی طالب
خلیفه منست یا گواهی داد و گواهی نداد که امامان فرزندان وی حجتهای
من اند پس بدرستی که انکار کرده است نعمت مرا و خرد شمرده است
عظمت و جلال مرا و کافر شده است بآیات من و کتابهای من اگر قصد من کند
او را محجوب و ممنوع از لطف خود خواهم ساخت و اگر خواهش نماید او را
محروم خواهم گردانید و اگر بمن آواز دهد نخواهم شنید آواز او را و اگر
بمن دعا نماید مستجاب نخواهم نمود و اگر بمن امیدی داشته باشد او را
ناامید خواهم ساخت و آنچه دانستی جزای وست از من و من ظلم کننده
نیستم بر بندگان یعنی آنچه با ایشان میرسد جزای اعتقاد و اعمال
و پاداش افعال و اقوال ایشانست نه آنکه آنحضرت جزایی که به بندگان از او میرسد
بغیر استحقاق و اکتساب سبب آنست از ایشان فقام جابر بن عبدالله الانصاری

فقال یا رسول الله من الأئمة من ولد علی ابن ابی طالب
فقال الحسن والحسین سیدا شباب اهل الجنة ثم
سید العابدین فی زمانه علی بن الحسین ثم الباقر
محمد بن علی وستدرکه یا جابر فإذا ادرکته فاقرأه
منی السلام ثم جعفر بن محمد الصادق ثم الکاظم
موسی بن جعفر ثم الرضا علی بن موسی ثم التقی محمد
ابن علی ثم النقی علی ابن محمد ثم الزکی الحسن بن علی
ثم ابنه القائم بالحق مهدی امتی الذی یملأ الأرض
عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً هؤلاء یا جابر خلفائی
واولادی وعترتی من عصاهم فقد عصانی ومن
انکرهم او واحداً منهم فقد انکرنی وبهم یمسک
السماء ان تقع علی الأرض الا باذنه وبهم یحفظ الأرض ان تمید

یعنی پس بروایت جابر بن عبد الله الانصاری پس گفت یا رسول
الله بیان فرما که پسندیده که فرزند علی ابن ابی طالب اند پس فرمود حسن
و حسین سید و بهتر جوانان اهل جنت بعد از ایشان سید عباد کنندگان
زمان خود علی ابن الحسین بعد از و باقر یعنی صاحب علم بسیار محمد ابن
علی و بعد ازین او را خواهی یافت تو ای جابر پس سلام من باو برسان
و جابر از اکابر صحابه است مرویست از صادق علیه السلام آخر
آنکسی که از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مانده بود جابر
بود و از همه بریده و با اهل البیت پیوسته بود و ابن عبد البر در استیعاب
نقل میکند که گفته اند عمر او نود و چهار سال بود و در مدینه وفات یافت
و بموجب امر نبوی و اخبار مصطفوی آنمقدار از عمر مهلت یافت که بخدمت
حضرت باقر علیه السلام رسید و امانت سلام سعادت انجام آنحضرت
با و رسانید بعد از و جعفر بن محمد الصادق بعد از و کاظم موسی بن جعفر

بعد از و رضا علی ابن موسی بعد از و تقی محمد ابن علی بعد از و نقی علی
ابن محمد بعد از و زکی حسن بن علی بعد از و پسر او که بر خواهد خاست
بحق مهدی امت من پر میسازد خدای تعالی بسبب او زمین را از
سویت و راستی همچنانکه پر شده باشد از ستم و جور این گروه اند
ای جابر دوستان خالص پاک من و والیان و مالکان امر من و مخصوص
ترین دیگران و خویشان بمن و آنکس که نافرمانی ایشان کرد نافرمانی
من کرده است و آنکس که انکار یکی از ایشان نمود انکار من نموده است
بواسطه رحمت وجود باجود ایشان خدای تعالی آسمان را نگاه داشته
که بر زمین فرو نیاید مگر باذن و اجازت آنحضرت و بسبب جلال کمال
نفس نفیس ایشان که محض لطف نامتناهی حضرت الهی اند باز
داشته شده است زمین که بجنبش در نمی آید و اهل آن را ابو بال و نکال
زلزال گرفتار نمی سازد بیت ای ذات تو ز لطف الهیت آیتی

امساکك عن هذا الامر خیرٌ وسرورٌ

حق را بروز کار تو با ما عنایتی حدیث دوم هم در شرح مصباح منبع
نقل میفرماید از محمد ابن القاسم الطبری که او رفع مینماید بامام همام
فیوض ملک علام جعفر بن محمد الصادق علیهما و آبائهما و ابنائهما افضل التحیة
والسلام قال اذا كان يوم القيمة جمع الله الاولين
والآخرين في صعيد واحد فتغشاهم ظلمة شديدة
فيضجون الى ربهم ويقولون يا رب اكشف عنا هذه
الظلمة قال فيقبل قوم يمشي النور بين ايديهم قد اضاء
بهم ارض القيامة فيقول اهل الجمع هؤلاء ملائكة الله
فياتيهم النداء من عند الله ما هؤلاء ملائكة الله فيقول
اهل الجمع هؤلاء شهداء فياتيهم النداء من عند الله
ما هؤلاء شهداء فيقولون من هم فياتيهم النداء
يا اهل الجمع اسئلوهم من انتم فيقول اهل الجمع

نگه داشتن خود را از این کار باعث خیر و خوشحالی است

من انتم فيقولون نحن العلويون نحن ذرية محمد
رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نحن اولاد علي
ابن ابي طالب ولي الله نحن المخصوصون بكرامة الله
نحن الآمنون المطمئنون فياتيهم النداء من عند الله
عز وجل اشفعوا في محبيكم من اهل مودتكم وشيعتكم فانكم تشفعون
یعنی فرمود صادق علیه السلام که چون روز قیامت شود جمع فرماید
خدای تعالی اولیان و آخریان را در یک زمین پس فرا گیرد ایشان را
تاریکی سخت پس فریاد بر آورند و نالند بپروردگار خود و گویند ای
پروردگار ما بکشا از ما این تاریکی فرمود پس پرسند قومی که فرا پیش
ایشان نور رود چنانکه روشن شود بایشان زمین قیامت پس بگویند
اهل جمع که این گروه ملائکه خدا اند پس ندا آید بایشان از نزد خدای
تعالی که این گروه ملائکه نیستند پس بگویند اهل جمع که این گروه شهیدانند

ذهابك فيما نويت سبب لزوال همك وغمك

پس ندا آید بایشان از نزد خدای تعالی که این گروه شهیدان نشیند
پس بگویند اهل جمع کیستند ایشان پس بایشان ندا آید که ای اهل جمع
سوال نمایید از ایشان که کیستند پس بگویند اهل جمع که کیستید شما پس بگویند
مایم علویان مایم ذریت و فرزندان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله مایم
فرزندان علی ابن ابی طالب ولی خدا مایم که مخصوصیم و ممتازیم بکرامت
و فضل خدا مایم آمن از همه ترسی و خوفی مایم مطمئن و آرامیده خاطر
از دغدغه عذاب و عقاب پس ندا آید بایشان از نزد خدای تعالی
که شفاعت کنید جهت محبان خود آنکسانی که از اهل مودت و دوستی
شما اند پس بدرستی که شفاعت شما مقبول است حدیث سیوم هم در شرح
مصباح نقل میفرماید انّ امیر المؤمنین علیه السلم سُئل
عن الخیر فقال لیس الخیر ان یکثر مالک و ولدک
و لکنّ الخیر ان یکثر علمک و ان یعظم

